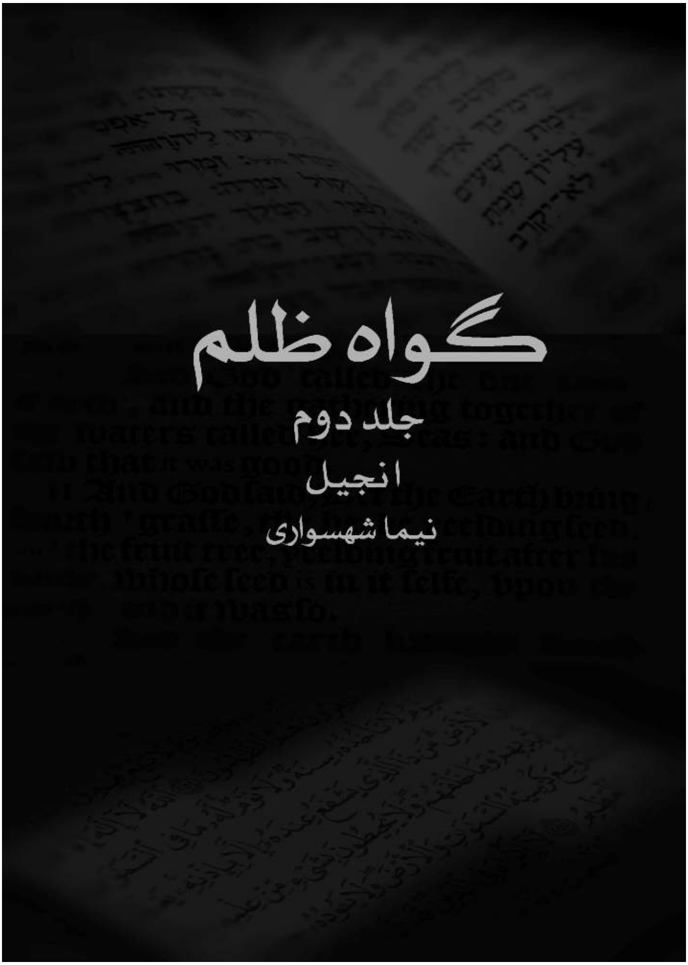

گواه ظلم
جلد دوم
انجیل
نیما شهسواری

سخنی با شما

به نام آزادی، یگانه منجی جانداران.

ای به چشم بخورد و همگان راهایم چنین نگاشته‌دانم تا در سرآغاز کتاب‌بر خود وظیفه می واسطه آن برخی رااز این درخواست باخبر سازم. نیما شهسواری، دست به نگاشتن کتبی زد تا به چنین‌به خود بخواند، قشری را به آزادگی دعوت کند، موجبات آگاهی برخی گردد و این واسطه رزمش تجارتی برپا دارد و این رزم پاک‌افکارش را نشر دهد. بر خود، ننگ دانست تا به را به ثروت مادی آلوده سازد.

هدف و آرمان من از کسی پوشیده نیست و برای دانستن آن نیاز به تحقیق گسترده نباشد؛ زیرا که هماره سخن را ساده و روشن بیان داشتم و اگر کسی از آن مطلع نیست، حال دگربار بازگو شود.

کران خداوند، الله، یهوه، عیسی، انسان و یا هر نام دیگری که‌های بی‌به پا خاستم تا برابر ظلم غایت و هدف را هماره با قدرت تلاقی داده است، فریاد برآورم و آزادی همه جانداران را فراهم سازم؛ رهایی جاودانی که دارای یک قانون است و آن احترام و آزار نرساندن به دیگر جانداران، ها است‌گیاهان، حیوانات و انسان.

دانم که در راستای رسیدن به این هدف والا که همانا آزادی است، قانون‌بر خود ننگ می رهایی را نقض و باعث آزار دگر جانداران شوم.

توان راه گذشتگان را در پیش نگرفت و دگر چون‌با مدد از علم و فناوری امروزی، می گذشته برای نشر کتب از کاغذ استفاده نکرد؛ زیرا که این کاغذ از تن والای درختان زیبا غارت گاه‌شود و موجبات مرگ این جاندار و تخریب طبیعت را حادث گردد. من خود هیچ ام از ناشران کتب، نشر ندادن این‌هایم را بر کاغذ، جان درخت، نشر ندادم و تنها خواسته‌نگاشته رسانی‌ها بر کاغذ است؛ حال چه از روی سودجویی و چه برای ترویج و اطلاع‌نگاشته.

گیری از فناوری در برابر مرگ و تخریب درختان، این جانداران والا،توان با بهره‌امروز می مدد از این‌شک بی‌دانید که بی‌ایستادگی کرد؛ پس اگر شما خود را مبلغ افکار آزادگی می گاه به قتل طبیعت دست نخواهید زد. اگر هم تنها هدفتان سودجویی است و برنگاشته نیز هیچ توانید از فناوری بهره بگیرید تاعام درختان می‌بهره از کشتار و قتل‌این پیشه پا فشارید، بی حق و قابل تکریم گرددکردارتان از دید من و دیگر آزاداندیشان به.

امید آزادی و رهایی همه جانداران‌به

سخن گردآورنده

هایی از کتب آسمانی خداوند در میان ادیان ابراهیمی است که ظلم‌گواه ظلم آیات و نشانه زند، در این کتاب سعی شده تا گواهی بر این مدعا که خداوند ظالم است‌خداوند را فریاد می اش که ادعا آن را دارند که‌آوری شود و برای این کار به کلام او در ادیان اصلی و رسمی‌جمع ها کلام خداوندی است مورد پژوهش و بررسی قرار گرفته است‌این کتاب.

ها توسط گردآورنده چیزی افزوده نشده و از فحوای آن چیزی کاسته‌بر این آیات و نشانه نشده است در این گرداوری، گردآورنده دست به تفسیر افزودن به آن نزده تا مخاطب، خویش ای باشد برای انتخاب درست و شناخت بهتر خداوند وآن را بخواند و قضاوت کند تا دریچه ادیان یکتاپرستانِ خداوندی

این کتاب گردآمده است تا مردم سراسر جهان بیشتر به فکر فرو روند و برای باورهایشان احترام بیشتری قائل باشند و با مدد از دانش و عشق و علاقه قلبی راه و طریقت خود را بجویند و کسی در اسارت به ارث بردن ادیان در این وادی محبوس نشود و با خواندن فعل خواستن را صرف کند.

ای برای آزادی به روی همگان باز شودباشد که دریچه.

به امید روز آزادی جانداران که در همین نزدیکی است.

پیشگفتار

انجیل کتاب مقدس مسیحیان سراسر جهان که بیشترین مردمان معتقد به باورهای خداوندی در ادیان ابراهیمی را به خود اختصاص داده است در این بخش از کتاب (گواه ظلم) مورد بررسی قرار گرفته است.

در ابتدای امر باید دانست که تورات به عنوان عهد عتیق در کنار انجیل به عنوان عهد جدید در بین مسیحیان دارای ارزش و اعتبار است و خواننده باید بداند که این دو کتاب در کنار هم پایه اعتقادات مسیحیان سراسر جهان را تشکیل داده است و تنها اکتفا به انجیل نمی‌توان کرد،برای شناخت بهتر این پایه اعتقادی باید هر دو کتاب را در نظر داشت.

در کنار این امر باید دانست که برای شناخت و گواه گرفتن بر ظلم‌های خداوندی در دین مسیحیت فرای انجیل، باید نگاهی به تاریخ این دین پیدایش، قدرت‌گیری و تا حال و امروز آن در سراسر جهان انداخت.

تاریخی که با خون و شمشیر تلاقی می‌کند و بسیاری از کشورهای دنیا را به زور شمشیر آخته مؤمن به دین خداوندی کرده است، تاریخی که سراسر آن توأم گشته است با جنگ‌های صلیبی و خونین که زندگی بسیاری از انسان‌ها که‌های سراسر دنیا را به خون کشیده و این جنگ به واسطه تحمیل عقاید به کفار یا به دیگر ادیان جهان و یا تفرقه‌های مذهبی میان مسیحیان به وجود آورده است‌های خون‌حادثه باری را در تاریخ.

در کنار این اتفاقات باید به یاد تفتیش عقاید در قرون وسطی ارتداد و کشتار ساحره‌ها، زنان، دگراندیشان، عالمان و دانشمندان و بسیاری دیگر از زشتی‌ها افتاد و امروز که به یاد مسیحیت و انجیل

ترسیم می‌شود که چگونه مورد تجاوزافتیم ناخودآگاه چهره کودکانی در برابرمان می‌روحانیون مسیحی در کلیسا قرار گرفتند و جان و تنشان میان آتش دین و شهوت پرهیزگاری سوخت و خاکستر شد.

چه بسا بهتر است تا خواننده برای شناخت بهتر مسیحیت تنها خویش را به دانستن و خواندن انجیل محبوس ندارد و برای شناخت بهتر این زشتی‌های اشاعه شده توسط مسیحیت ایضاً

ای تازه برای شناخت بهترخداوندی بیشتر از پیش همت گمارد به تحقیق راه برد تا دریچه خداوند و ادیان ابراهیمی بجوید دینی که شاید در میان ادیان ابراهیمی بیش از دیگران ادعای محبت و عشق داشته و پیامبرش زاهد و پرهیزگارتر از سایرین از نگاه عموم مردم جهان بوده است.

در پایان باید ذکر کنم که در این گردآوری سعی شده تا از تکرار پرهیز شود و به واسطه ها همانند یکدیگر است در بار اول‌اینکه در چهار سرگذشت ابتدائی موجود در انجیل داستان داستان به صورت کامل و در بارهای بعدی تنها مطالب متفاوت بیان شده است.

به امید روزی که همگان باوری را برگزینند که از آن شناخت و دانش کافی داشته و به آن عشق بورزند و در سرایی زندگی کنند که آزادی با تعاریف شخصی آنان و در پرتوی قانون حق فرما باشد روزی که نزدیک به تلاش همه ما استو راستین آن حکم.

سرگذشت عیسی مسیح نوشته متی

پدر متان و متان پدر یعقوب بود یعقوب پدر یوسف و یوسف شوهر مریم و مریم مادر عیسی مسیح بود به این ترتیب افرادی که در بالا نامشان برده شد از ابراهیم پیامبر تا داود پیامبر چهارده ها به بابل چهارده نفر و از زمان تبعید تا زمان مسیح هم‌نفر و از داود پیامبر تا زمان تبعید یهودی چهارده نفر بودند.

تولد عیسی مسیح

واقعه تولد عیسی مسیح به این شرح است مریم مادر عیسی که در عقد یوسف بود قبل از ازدواج القدس آبستن شد یوسف که سخت پایبند اصول اخلاق بود بر آن شد که‌با او به وسیله روح آبرونامزدی خود را برهم زند اما در نظر داشت این کار را در خفا انجام دهد تا مبادا مریم بی .شود

فرار به مصر

شناسان فرشته خداوند در خواب بر یوسف ظاهر شد و گفت: برخیز و کودک‌پس از رفتن ستاره جا بمان تا تو را خبر دهم زیرا هیرودیس پادشاه‌و مادرش را برداشته به مصر فرار کن و همان خواهد کودک را به قتل برساندمی.

یوسف همان شب مریم و کودک را برداشت و به سوی مصر رفت و تا زمان مرگ ها پیش درباره این موضوع پیشگویی کرد و گفته بود:هیرودیس در آنجا ماند یکی از انبیا قرن پسر خود را از مصر فرا خواندم.

شناسان از دستور او سرپیچی کردند بسیار خشمگین‌اما وقتی هیرودیس متوجه شد که ستاره لحم فرستاد تا تمام کودکان دوساله و کمتر را که در آن شهر و در تمام‌شد و سربازانی به بیت شناسان ستاره دو سال پیش از آن ظاهر شده‌عام کنند زیرا طبق گفته ستاره‌حومه آن بودند قتل رحمانه هیرودیس را که قبلاً ارمیا نبی چنین پیشگویی کرده بودبود این رفتار بی.

ظهور یحیای پیامبر

آیند تا تعمیداما وقتی یحیی دید که عده زیادی از روحانیون متظاهر و رهبران قوم نزد او می
توانید از غضب آینده خداگیرند به ایشان گفت ای افعی زادگان چه کسی به شما گفت که می
بگریزید پیش از تیشه داوری خدا بر ریشه درختان گذاشته است هر درختی که ثمر نیاورد بریده
کنند با آب غسل تعمیدو در آتش افکنده خواهد شد من آنان را که از گناهانشان توبه می
قدر که من لیاقت‌دهم اما شخص دیگری خواهد آمد که مقامش خیلی برتر از من است آن‌می
.القدس و آتش الهی تعمید خواهد کردهایش را پیش پایش بگذارم او شما را با روح‌ندارم کفش

موعظه سر کوه، راز خوشبختی

هرگاه به خاطر من شما را ناسزا گفته آزار رسانند و به شما تهمت زنند شاد باشید بلی خوشی و شادی نمایید زیرا در آسمان پاداشی بزرگ در انتظار شماست بدانید که پیامبران گذشته نیز چنین کردند.

احکام تورات

هاام تا آن‌های سایر انبیا را منسوخ کنم من آمده‌ام تا تورات موسی و نوشته‌گمان مبرید که آمده گویم که از میان احکام تورات هر آنچه که‌را تکمیل نمایم و به انجام رسانم به راستی به شما می ترین حکم‌باید عملی شود یقیناً همه یک به یک عملی خواهند شد پس اگر کسی از کوچک آن سرپیچی کند و به دیگران نیز تعلیم دهد که چنین کنند او در ملکوت آسمان از همه باشد اماتر خواهد بود گفته شده است که هرکس مرتکب قتل شود محکوم به مرگ می‌کوچک گویم: که حتی اگر نسبت به برادر خود خشمگین شوی و بر او فریاد بزنی باید تو رامن می محاکمه کرد و اگر برادر خود را ابله خطاب کنی باید تو را به دادگاه برد و اگر به دوستت ناسزا .گویی سزایت آتش جهنم است

خواهی گوسفندی در خانه خدا قربانی کنی و همان لحظه به یادت‌پس اگر نذری داری و می جا نزد قربانگاه رها و کن و اول برو و ازآید که دوستت از تو رنجیده است گوسفند را همان دوستت عذرخواهی نما و با او آشتی کن آنگاه بیا و نذرت را به خدا تقدیم کن هرگاه کسی از تو شکایت کند و تو را به دادگاه ببرد کوشش کن پیش از آنکه به دادگاه برسید و قاضی تو را به زندان بیندازد با شاکی صلح کنی وگرنه در زندان خواهی ماند و تا دینار آخر را نپرداخته باشی .بیرون نخواهی آمد

آلود به زنی نگاه‌گویم که اگر حتی با نظر شهوت‌گفته شده است که زنا مکن ولی من می قدر عزیز است‌ای پس اگر چشمی که برایت این‌کنی همان لحظه در دل خود با او زنا کرده شود گناه کنی آن را از حدقه در آور و به دور افکن بهتر است بدنت ناقص باشد تاباعث می شود گناه کنی آن را ببر و دوراینکه تمام وجودت به جهنم بیفتد و اگر دست راستت باعث می .بینداز بهتر است یک دست داشته باشی تا اینکه با دو دست به جهنم بروی

ای‌نامه‌خواهد از دست زنش خلاص شود کافی است طلاق‌گفته شده است اگر کسی می گویم هر که زن خود را بدون اینکه خیانتی از او دیده باشد طلاق‌بنویسد و به او بدهد اما من می دهد و آن زن دوباره شوهر کند آن مرد مقصر است زیرا باعث شده زنش زنا کند و مردی نیز که با این زن نیز ازدواج کرده زناکار است و گفته شده که اگر کسی چشم دیگری را کور کند باید گویم اگرچشم او را کور کرد و اگر دندان کسی را بشکند باید دندانش را شکست اما من می

کسی به تو زور گوید با او مقاومت نکن حتی اگر به گونه راست تو سیلی زند گونه دیگرت را نیز پیش ببر تا به آن نیز سیلی بزند.

ثروت و خوراک و پوشاک

ها را دوست داشته باشی و فقط به یکی‌توانی به دو ارباب خدمت کنی باید فقط یکی از آن‌نمی توانی هم بنده خدا باشی هم بنده پول پس غصه فردا را نخورید چون‌وفادار بمانی همچنین نمی باشد مشکلات هر روز برای همان روز کافی است لازم نیست‌خدا در فکر فردای شما نیز می .مشکلات روز بعد را نیز به آن بیفزایید

ایراد نگیرید

هاباشند آن‌ها نمی‌ها نگذارید چون قادر به تشخیص ارزش آن‌مرواریدهای خود را نزد خوک ور خواهند شد به همین ترتیب چیزهای‌کنند و برگشته به شما حمله‌مرواریدها را لگدمال می .های بدکار نگذاریدمقدس را در اختیار انسان

راه رسیدن به خدا

رود خیلی‌ای که به طرف جهنم می‌توان به حضور خدا رسید جاده‌فقط با عبور از در تنگ می توانندروند به راحتی می‌کسانی که بر آن راه می‌اش نیز بسیار بزرگ و همه‌پهن است و دروازه شود کوچك است و راهش نیز باریك و تنهاداخل شوند اما دری که به زندگی جاودان باز می توانند به آن راه یابندعده کمی می

های‌آیند ولی در باطن گرگ‌از پیامبران دروغین بر حذر باشید که در لباس میش نزد شما می توان از اعمالشان‌شناسند ایشان را نیز می‌اش می‌طور که درخت را از میوه‌باشند همان‌درنده می دانید درخت‌شناخت شما یقیناً فرق درخت انگور و خار بیابان و فرق انجیر و بوته خار را می تواند میوه بد بدهد و درخت‌دهد و درخت فاسد میوه بد درخت سالم نمی‌سالم میوه خوب می شونددهند بریده و در آتش انداخته می‌هایی که میوه بد می‌دهد درخت‌فاسد نیز میوه خوب نمی .توانید پیامبران دروغین را از اعمالشان بشناسیدگونه می‌بلی این

شفای خدمتکار افسر رومی

وقتی عیسی به شهر کفرناحوم رسید یک افسر رومی نزد او آمد و از او خواهش کرد که پیچد شفا دهد عیسی به او گفت:خدمتکار افلیج او را که در خانه افتاده و از درد به خود می قدر لیاقت‌دهم اما افسر در جواب عرض کرد سرور من، من این‌آیم و او را شفا می‌بسیار خب می جا دستور بفرمایید خدمتکارم خوب خواهد شد اگرندارم که شما به خانه من بیایید اگر از همین دانم اگر شما هم دستور بفرمایید این مرض ازکند می‌به خدمتکارم بگویم فلان کار را بکن می بدن خدمتکارم بیرون خواهد رفت.

عیسی از سخنان او حیرت کرد سپس رو به جمعیت کرد و گفت: در تمام سرزمین اسرائیل های غیر یهود مانندنیز چنین ایمانی در کس ندیدم این را به شما بگویم که عده زیادی از قوم نشین‌این افسر رومی از سراسر دنیا آمده در درگاه خداوند با ابراهیم و اسحاق و یعقوب هم بایست به درگاه خداوند راه بیابند بیرون انداخته خواهندخواهند شد و بسیاری از یهودیان که می فرماست‌شد در جایی که تاریکی گریه و عذاب حکم.

شفای دیوانه

ها که در طرف دیگر دریاچه بود رسیدند دو دیوانه زنجیری به ایشانوقتی به سرزمین جدری قدر خطرناک بودند که کسی جرأت‌کردند و آنبرخوردند این دو دیوانه در قبرستان زندگی می نداشت از آن منطقه عبور کند تا چشمشان به عیسی افتاد شروع کردند به فریاد کشیدن که ای ای که قبل از وقت ما را عذاب دهی از قضا در آن حوالیفرزند خدا با ما چه کار داری آیا آمده خواهی ما راچریدند پس ارواح ناپاک از عیسی خواهش کرده گفتند اگر می‌گله خوکی می ها گفت بسیار خب بروید‌ها بفرست عیسی به آنبیرون کنی ما را به درون جسم این خوک وار به‌ها شدند ناگاه تمام گله دیوانهارواح ناپاک از وجود آن دونفر بیرون آمدند و داخل خوک .طرف پرتگاه دویدند و خود را به دریاچه انداختند و خفه شدند

دوازده شاگرد عیسی

آنگاه عیسی دوازده شگرد خود را نزد خود فراخواند و به ایشان قدرت داد تا ارواح ناپاک را های آن دوازده شاگرد شمعونبیرون کنند و هر نوع بیماری و مرض را شفا دهند این است نام معروف به پطروس اندریاس برادر پطروس یعقوب پسر زبدی یوحنا برادر یعقوب فیلیپ برتولما گیر معروف یعقوب پسر حلفی تدی شمعون عضو حزب فداییان و یهودا اسخریوطی‌متی باج کسی که در آخر به عیسی خیانت کرد عیسی ایشان را به مأموریت فرستاد چنین گفت: نزد غیر شده خدا هستند بروید و به‌یهودیان و سامریان نروید بلکه فقط نزد قوم اسرائیل که گوسفندان گم بار وسازد پول با خود برندارید حتی کوله‌ایشان خبر دهید که خداوند ملکوت را برقرار می شتابیددستی نیز با خود نبرید زیرا مردمی که به کمکشان می‌کفش و لباس اضافی و چوب شوید سراغ آدم‌خوراک و پوشاک شما را فراهم خواهند ساخت وقتی وارد شهر یا دهی می ای یا شهری شماخداشناس را بگیرید و تا روزی که آنجا هستید در خانه او بمانید اگر اهل خانه را راه ندادند گرد و خاک آنجا را نیز به هنگام بازگشت از پاهایتان بتکانید مطمئن باشید که در روز قیامت وضع مردم فاسد سدوم و عموره خیلی بهتر از وضع آنان خواهد بود من شما را آزار ولی‌فرستم پس مثل مار هوشیار باشید مثل کبوتر بی‌همچون گوسفندان در میان گرگان می ها شما رامواظب باشید زیرا مردم شما را گرفته به محاکمه خواهند کشید و حتی در عبادتگاه شلاق خواهند زد بلی شما را به خاطر من پیش فرماندهان و پادشاهان خواهند برد تا از شما بازجویی کنند و این برای شما فرصتی خواهد بود تا درباره من با آنان سخن گویید و ایشان را گیرند نگران نباشید که موقع بازجویی چه بگویید چون کلمات‌آگاه سازید وقتی شما را می گویید بلکه روح پدرمناسب به موقع به شما عطا خواهند شد زیرا این شما نیستید که سخن می .آسمانی شماست که به وسیله شما سخن خواهد گفت

برادر، برادر خود را و پدر فرزندش را تسلیم مرگ خواهد کرد فرزندان بر ضد والدین برخاسته ایشان را خواهند کشت همه به خاطر من از شما متنفر خواهند گشت ولی از میان شما کسانی نجات خواهند یافت که تا به آخر زحمات را تحمل کنند هرگاه شما را در شهری اذیت کنند به شهر دیگر فرار کنید قبل از اینکه بتوانید به تمام شهرهای اسرائیل بروید من خواهم آمد تر نیست شاگرد در سرنوشت استاد خود شریک است و نوکر نیز درشاگرد از استاد خود بزرگ سرنوشت اربابش اگر مرا که سرپرست خانه هستم شیطان بگویید چه قدر بیشتر شما را شیطان

کنند نترسید زیرا وقت آن خواهد رسید که‌خطاب خواهند کرد ولی از آنان که شما را تهدید می های مخفی آنان نیز برای همه آشکار خواهد شدهر حقیقتی آشکار شود توطئه.

ای‌توانند به روحتان صدمه‌توانند فقط بدن شما را بکشند ولی نمی‌نترسید از کسانی که می بزنند از خدا بترسید که قادر است هم بدن و هم روح شما را در جهنم هلاک کند قیمت دو گنجشک چقدر است خیلی ناچیز ولی حتی یک گنجشک نیز بدون اطلاع پدر آسمانی شما بر افتد تمام موهای سر شما نیز حساب شده است پس نگران نباشید در نظر خدا شما خیلی‌زمین نمی های دنیا ارزش داریدبیشتر از گنجشک.

ایمانیسزای بی

آنگاه عیسی شروع کرد به توبیخ مردم شهرهایی که بیشتر مجازاتش را در آنجا انجام داده بود
:سوی خدا بازگشت نکرده بودند او فرمودولی ایشان به

هایی که من در کوچه و بازار شماصیدا اگر معجزه‌وای بر تو ای خورزین وای بر تو ای بیت
ها قبل از رونی خجالت ودادم اهالی آنجا مدت‌انجام دادم در صور و صیدون فاسد انجام می
کردند مطمئن باشید عاقبت صور وشدند و توبه می‌پوش و خاکسترنشین می‌پشیمانی پلاس
ای‌صیدون در روز قیامت خیلی بهتر از شما خواهد بود ای کفرناحوم که سر به آسمان کشیده
کردم‌عاقبت به جهنم سرنگون خواهی شد چون اگر معجزاتی که من در تو کردم در سدوم می
.مانده بودآن شهر تا به حال باقی

تهمت ناروا به عیسی

اگر کسی حتی به من کفر بگوید و یا گناه دیگری مرتکب شود امکان بخشایش او وجود دارد .گاه بخشیده نخواهد شد نه در این دنیا و نه در آن دنیاالقدس هیچ‌حرمتی به روح‌اما بی

دهد و درخت بد میوه بد ای‌اش شناخت درخت خوب میوه خوب می‌درخت را باید از میوه توانید سخنان نیکو و درست بر زبان بیاورید زیراقدر بد است چگونه می‌مارها شما که باطنتان این دهنده باطن اوست‌سخنان انسان نشان.

شودکند و وسیع می‌ملکوت خدا رشد می

های هرز را دسته کردند و سوزاندند در آخر زمان نیزطور که در این حکایت علف‌همان شودطور خواهد شد من فرشتگان خود را خواهم فرستاد تا هرچیزی را که باعث لغزش می‌همین ها را در کوره آتش بریزند و بسوزانندو هر انسان بدکاری را از ملکوت خداوند جدا کنند و آن های نیک در ملکوت پدرم خداجایی که گریه و فشار دندان بر دندان است در آن زمان انسان .همچون خورشید خواهند درخشید اگر گوش شنوا دارید خوب گوش دهید

چنین توصیف کرد ماهیگیران تور ماهیگیری را داخل آب‌توان ملکوت خدا را این‌باز می کشانند وها را به ساحل می‌شود سپس آن‌اندازند و انواع مختلف ماهی در تورشان جمع می‌می های بد راطور خواهد شد انسان‌کنند در آخر دنیا نیز همین‌های خوب را از بد جدا می‌ماهی کنید چه‌ها برهم درک می‌داخل آتش خواهند افکند که در آنجا گریه خواهد بود و فشار دندان گویم شاگردانش جواب دادند: بلی‌می

احکام خدا یا آداب و رسوم انسان

ای از فریسیان و علمای دین از اورشلیم آمدند تا عیسی را با طرح سؤالاتدر این هنگام عده خود به دام بیندازند ایشان سؤالی طرح کرده پرسیدند چرا شاگرد شما آداب و رسومی را که از هایشان را آب‌گیرند و پیش از خوردن غذا دست‌اجداد ما به ما رسیده است نادیده می کشند؟نمی

عیسی جواب داد: چرا خود شما برای اینکه آداب و رسوم گذشته خود را حفظ کنید احکام گذارید مثلاً یکی از احکام خدا این است که پدر و مادر خود را احترام کنید وخدا را زیر پا می گویید حتی اگر پدر وهرکه پدر و مادر خود را ناسزا گوید کشته شود اما شما به مردم می توانید وقف خانه خدا نمایید پس شمامادرتان محتاج باشند مبلغی را که باید خرج ایشان کنید می اید دستور خدا را که عبارت از احترام به پدر و مادر است زیر پابا این قانونی که وضع کرده گذارید ای ریاکاران اشعیای نبی خوب در حق شما پیشگویی کرد که این مردم با زبان خودمی گذارند اما دلشان از من دور است عبادت آنان باطل است زیرا رسوم بشری را به‌به من احترام می دهندجای احکام الهی به مردم تعلیم می.

ایمان زن کنعانی به عیسی

عیسی از آنجا به سوی صور و صیدون به راه افتاد در آنجا یک زن کنعانی نزد او آمد و کنان گفت: ای سرور من ای پسر داود پادشاه به من رحم کنید دختر من سخت گرفتارالتماس .گذاردروحی پلید شده است روح حتی یک لحظه هم او را راحت نمی

عیسی هیچ جوابی به او نداد تا اینکه شاگردان از او خواهش کرده گفتند: جوابی به او بدهید .هایش سر ما را به در آورده استتا از ما دست کشیده برود چون با ناله

عیسی فرمود: خدا مرا فرستاده تا یهودیان را کمک کنم نه غیر یهودیان را زیرا یهودیان .گوسفندان گمشده خدا هستند

آنگاه زن جلو آمده پیش پای عیسی به خاک افتاد و التماس کرد عیسی فرمود: درست نیست .ها بیندازم‌که نان را از دست فرزندانم بگیرم و جلوی سگ

های نانی که از سفره صاحبشان‌ها هم از تکه‌زن جواب داد: بله حق با شماست ولی سگ .خورندریزد می‌می

عیسی به او فرمود: ای زن ایمان تو عظیم است برو که آرزویت برآورده شده همان لحظه .دختر او شفا یافت

پرداخت مالیات خانه خدا

وقتی به کفرناحوم رسیدند مأموران وصول مالیات خانه خدا پیش پطروس آمده از او پرسیدند آیا دهد سپس وارد خانه شد تا موضوع را به‌دهد پطروس جواب داد البته که می‌استادتان مالیات نمی کنی آیاعیسی بگوید ولی پیش از آنکه سخنی بگوید عیسی از او پرسید پطروس چه فکر می اند؟گیرند یا از بیگانگانی که اسیر شده‌پادشاهان جهان از اتباع خود باج و خراج می

پطروس جواب داد: از بیگانگان

اند ولی بهر حال برای اینکه‌عیسی فرمود: خب پس اتباع از پرداخت باج و خراج معاف ایشان را نرجانیم به ساحل برو و قلاب به آب بینداز و اولین ماهی که گرفتی دهانش را باز کن .کنی که برای مالیات ما دو نفر کافی است آن را به ایشان بده‌ای در آن پیدا می‌سکه

گویدعیسی درباره طلاق چه می

گیر کنند پس به عیسی گفتند:آنگاه بعضی از فریسیان پیش آمدند تا با بحث و گفتگو او را غافل دهید مرد زن خود را طلاق دهد؟آیا شما اجازه می

خوانید در کتاب آسمانی نوشته شده استعیسی جواب داد: مگر شما کتاب آسمانی را نمی که در آغاز خلقت پروردگار مرد و زن را آفرید و دستور داد مرد از پدر و مادر خود جدا شود و برای همیشه به زن خود بپیوندد و با او یکی شود به طوری که آن دونفر دیگر دو تن نیستند بلکه .اند هیچ انسانی حق ندارد آن دو را که خدا به هم پیوسته است جدا کندیک تن

تواند زنش را طلاق دهد و کافی استپرسیدند: اگر چنین است چرا موسی فرمود که مرد می ای بنویسد و به دست زنش بدهد و از او جدا شود؟نامه‌که طلاق

رحم هستیددانست که شما چقدر سنگدل و بی‌عیسی جواب داد: موسی چنین گفت زیرا می گویم که هرکس‌اما این چیزی نبود که خداوند در آغاز خلقت در نظر داشت و من به شما می زن خود را به هر علتی به غیر از علت زنا طلاق دهد و با زن دیگری ازدواج کند زناکار محسوب .شودمی

.شاگردان عیسی به او گفتند: با این حساب ازدواج نکردن بهتر است

توانند مجرد بمانندتواند از ازدواج بپرهیزد بلکه فقط کسانی می‌عیسی فرمود: هر انسانی نمی که از خداوند کمک خاصی یافته باشند بعضی به علت نقص مادرزادی قادر به ازدواج نیستند کنند هر که‌اند و بعضی نیز به خاطر خدمت خدا ازدواج نمی‌بعضی را نیز مردم ناقص کرده .قدرت اجرای این اصل ازدواج را دارد بگذارید آن را بپذیرد

ایم تا به دنبال شما بیاییم حال چه سودی‌پطروس گفت: ما از همه چیز خود دست کشیده .شودعاید ما می

عیسی جواب داد: وقتی من در آن دنیای جدید بر تخت سلطنتم بنشینم شما شاگردان من نیز بر دوازده تخت نشسته دوازده قبیله اسرائیل را داوری خواهید نمود هر که به خاطر من از برادر خواهر پدر مادر و فرزند خانه و زمین چشم بپوشد صد مرتبه بیشتر خواهد یافت و زندگی جاوید را نیز به دست خواهد آورد ولی بسیاری که اکنون اول هستند آخر خواهند شد و کسانی که

.آخرند اول

نیروی ایمان

گشت گرسنه شد کنار جاده درخت انجیری دید جلوصبح روز بعد وقتی عیسی به اورشلیم بازمی ای از آن بچیند اما جز برگ چیزی بر درخت نبود پس گفت: دیگر هرگز از تورفت تا میوه ای عمل نیاید بلافاصله درخت خشک شدمیوه.

منظورم این است که خداوند برکات ملکوت خود را از شما گرفته به قومی خواهد داد که از محصول آن سهم خداوند را به او بدهند اگر کسی روی این سنگ بیفتد تکه تکه خواهد شد و اگر این سنگ بر روی کسی بیفتد او را له خواهد کرد.

اعتنا بودنباید نسبت به ملکوت خداوند بی

:عیسی برای تشریح ملکوت خدا حکایت دیگری بیان کرده گفت

انجامید وپادشاهی برای عروسی پسرش جشن مفصلی ترتیب داد که چندین روز به طول می عده بسیاری را نیز به این جشن دعوت کرد وقتی همه چیز آماده شد افراد خود را به دنبال کس نیامد پس مجبور شد بار دیگر افرادی راشدگان فرستاد تا به جشن بیایند اما هیچ‌دعوت اعتنایی پوزخندی زدند وچیز آماده است ولی مهمانان با بی‌بفرستد و بگوید عجله کنید چون همه اش و دیگری به محل کسب خود حتی بعضی‌هریک به سر کار خود رفتند یکی به مزرعه .های پادشاه را زدند و چند نفرشان را نیز کشتندفرستاده

وقتی خبر به گوش پادشاه رسید به خشم آمد و فوری سپاهی فرستاد و همه آنان را کشت و شهرشان را به آتش کشید سپس به افراد خود گفت: جشن عروسی سر جای خود باقی است اما هایی که من دعوت کرده بودم لیاقت آن را نداشتند حال به کوچه بازار بروید و هرکه رامهمان .دیدید به عروسی دعوت کنید

پس ایشان رفته هرکه را یافتند خوب و بد با خود آوردند به طوری که تالار عروسی از آمد گوید متوجه شد یکی ازمهمانان پر شد ولی وقتی که پادشاه وارد شد تا به مهمانان خوش .آنان لباس مخصوص عروسی را که برایش آماده کرده بودند به تن ندارد

ای؟ ولی او جوابی نداشت که‌پادشاه از او پرسید: رفیق چرا بدون لباس عروسی به اینجا آمده بدهد پس پادشاه دستور داد دست و پایش را ببندید و بیرون در تاریکی رهایش کنید تا در آنجا .شوند اما برگزیدگان کم هستندکنید که بسیاری دعوت می‌گریه و زاری کند پس ملاحظه می

داری‌تظاهر به دین

کنید تاوای به حال شما ای علمای دینی و فیسیان چه قدر ریاکارید نماز خود را عمداً طولانی می خورید ای دوزنان بیچاره را می‌دار بدانند ولی دور از چشم دیگران اموال بیوه‌مردم شما را دین گذارید تا کسی را پیدا کنید که مرید شما شود وروها وای به حال شما همه جا را زیر پا می سازیدوقتی موفق شدید او را دو برابر بدتر از خودتان سزاوار جهنم می.

شود شکست ولی قسم به هدیه روی قربانگاه را حتماً باید وفاگویید قسم به قربانگاه را می‌می ای که روی قربانگاه است یا خود قربانگاه که‌تر است هدیه‌های کور کدام مهم‌کرد ای احمق خورید در واقع به خود قربانگاه و هرچه که درکند وقتی به قربانگاه قسم می‌هدیه را تقدیس می خورید به خود خانه و خدایی که در آن‌خورید و وقتی به خانه خدا قسم می‌آن هست قسم می خورید در واقع به تخت خدا و خود خدا که برخورید و وقتی به آسمان قسم می‌هست قسم می خورید وای به حالتان ای علمای دینی و فریسیان ریاکار شما برای پیامبران‌تخت نشسته قسم می سازید و قبر مقدسینی را که به دست آنان کشته‌که اجدادتان کشتند با دست خود یادبود می کشتیم اما باگویید: اگر ما به جای اجدادمان بودیم پیامبران را نمی‌کنید و می‌اند تزئین می‌شده هادارید که فرزندان قاتلان انبیا هستید شما قدم به قدم از آن‌این گفته به زبان خود اعلام می اید ای مارهای خوش خط و خال چگونه‌کنید شما در اعمال بد از ایشان پیشی گرفته‌پیروی می توانید از مجازات جهنم جان سالم به در ببریدمی.

روز داوری

هنگامی که من مسیح موعود با شکوه و جلال خود همراه با تمام فرشتگانم بیایم آنگاه بر تخت های روی زمین در مقابل من خواهند ایستاد و من‌باشکوه خود خواهم نشست سپس تمام قوم کندطور که یک چوپان گوسفندها را از بزها جدا می‌ایشان را از هم جدا خواهم کرد همان .دهم و بزها را در طرف چپم‌گوسفندان را در طرف راستم قرار می

اند خواهم گفت: بیایید ای عزیزان‌آنگاه به عنوان پادشاه به کسانی که در طرف راست من پدرم تا شما را در برکات ملکوت خدا سهیم گردانم برکاتی که از آغاز آفرینش دنیا برای شما ها ازشده‌آماده شده سپس به کسانی که در طرف چپ من قرار دارند خواهم گفت ای لعنت اینجا بروید و به آتش ابدی داخل شوید که برای شیطان و ارواح شیطانی آماده شده است و این .رسند ولی نیکوکاران به زندگی جاوید خواهند پیوست‌اشخاص به کیفر ابدی می

آخرین روزهای زندگی عیسی در این دنیا

بهاعنیا به خانه شمعون که قبلاً جذامی بود رفت زنی با یک شیشه عطر گراناما عیسی به بیت .وارد شد و عطر را بر سر عیسی ریخت

شاگردانش وقتی این عمل را دیدند اوقاتشان تلخ شد و گفتند: حیف از این عطر که تلف دانست به‌توانست آن را به قیمت خوبی بفروشد و پولش را به فقرا بدهد عیسی که می‌شد او می گیرید او خدمت بزرگی به من کرد فقراگویند فرمود: چرا از این زن ایراد می‌یکدیگر چه می .باشم‌همیشه دور و بر شما هستند ولی من همیشه با شما نمی

آخرین شام عیسی با شاگردان

عیسی به ایشان گفت:

کندیکی از شما به من خیانت می

همه از این سخن غمگین شدند و هریک با اندوه زیاد پرسیدند آیا من این کار را خواهم کرد؟

او جواب داد: آنکه دستش را اول با دست من به سوی بشقاب دراز کرد همان کسی است ها رحلت کنم اما وای به حال کسی که مراکند البته من باید مطابق پیشگوییکه به من خیانت می آمدبه مرگ تسلیم کند بهتر بود که اصلاً این شخص به دنیا نمی.

آخرین دعا در باغ جتیسمانی

نامیدند او به ایشان فرمود و گفت:ای آورد که آن را جتیسمانی می‌پس عیسی ایشان را به بیشه بنشینید و منتظر باشید تا من کمی دورتر رفته و دعا کنم پطروس و دو پسر زبدی یعنی یعقوب و یوحنا را نیز با خود برد در حالی که غم و اندوه تمام وجود او را فرا گرفته بود رو به ایشان کرد و باشم شما اینجا بمانید و با من بیدار باشیدگفت: من از شدت حزن و غم در آستانه مرگ می سپس کمی دورتر رفت و بر زمین افتاد و چنین دعا کرد:

پدر اگر ممکن است این جام عذاب و رنج را از مقابل من بردار اما نه به خواهش من بلکه به خواست تو

باز ایشان را گذاشت و رفت و چنین دعا کرد:

نوشم آنچه خواست‌پدر اگر ممکن نیست این جام از مقابل من برداشته شود پس آن را می تو است بشود.

دستگیری و محاکمه عیسی

ای با شمشیر و چوب وسخن عیسی هنوز پایان نیافته بود که یهودا از راه رسید همراه او عده چماق نیز آمده بودند آنان از سوی سران قوم یهود فرستاده شده بودند شاگرد خائن به همراهان خود گفته بود هر که را ببوسم همان است او را بگیرید سپس یهودا مستقیم سوی عیسی رفت و گفت: سلام استاد و صورت استاد خود را بوسید

عیسی گفت: دوست من کار خود را زودتر انجام بده پس آن عده جلو رفتند و عیسی را گرفتند

در این لحظه یکی از همراهان عیسی شمشیر خود را کشید و با یک ضربه گوش غلام کاهن اعظم را برید.

عیسی به او فرمود: شمشیرت را غلاف کن هرکه شمشیر بکشد با شمشیر نیز کشته خواهد شد توانم از پدرم درخواست کنم تا در یک لحظه هزاران فرشته به کمک مادانی که من می‌مگر نمی های کتاب آسمانی درباره من چگونه جامه عمل خواهدبفرستد ولی اگر چنین کنم پیشگویی پوشید.

آنگاه رو به آن عده کرد و گفت: مگر من دزد فراری هستم که با چوب و چماق و شمشیر به دادم چرا درایدمن هر روز در برابر چشمانتان در خانه خدا بودم و به مردم تعلیم می‌سراغم آمده شد چون تمام این وقایع را انبیا در کتاب آسمانی‌طور می‌بایست این‌آنجا مرا نگرفتید بلی می اند در این گیر و دار تمام شاگردان او را تنها گذاشته فرار کردندپیشگویی کرده.

پس آن گروه عیسی را به خانه قیافا کاهن اعظم بردند در آنجا تمام سران یهود جمع بودند آمد تا وارد حیاط خانه کاهن اعظم شد و کناردر ضمن پطروس هم از دور به دنبال عیسی می آیدسربازان نشست تا ببیند بر سر عیسی چه می.

کاهنان اعظم در واقع تمام اعضای عالی شورای یهود جمع شده بودند و به دنبال شاهدانی گشتند که به دروغ به عیسی تهمت بزنند تا بتوانند به مرگ محکومش کنند ولی با اینکه چندمی نفر را یافتند و آنان نیز شهادت دروغ دادند ولی سخنان ایشان با هم یکی نبود.

توانم خانه خدا راگفت من می‌گفتند: این مرد می‌سرانجام دو نفر را پیدا کردند که می

خراب کنم و آن را ظرف سه روز باز بنا نمایم آنگاه کاهن اعظم برخاست و به عیسی گفت: گویند صحت دارد ولی عیسی خاموش ماندگویی آیا آنچه می‌خب چه می

خواهم جواب دهی آیا تو مسیح فرزندکاهن اعظم به او گفت: به نام خدای زنده از تو می خدا هستی یا نه؟

ام وعیسی جواب داد: بلی هستم و یک روز مرا خواهید دید که در دست راست خدا نشسته گردم ناگهان کاهن اعظم لباس خود را درید و فریاد زد کفربر ابرهای آسمان به زمین بازمی دهید؟گفت کفر گفت دیگر چه احتیاجی به شاهد داریم همه شنیدید چه گفت چه رأی می

همه فریاد زدند: مرگ مرگ آنگاه به صورتش آب دهان انداخته او را زدند بعضی نیز به او گفتند ای مسیح تو که پیامبری بگو ببینم چه کسی تو را زدسیلی زده با ریشخند می

.سپس به سربازان دستور داد عیسی را شلاق بزنند و بعد او را بر روی صلیب اعدام کنند

سربازان ابتدا عیسی را به حیاط کاخ فرماندار بردند و تمام سربازان دیگر را به دور او جمع کردند سپس لباس او را در آوردند و شنل ارغوانی رنگ بر دوش او انداختند و تاجی از خارهای بلند درست کردند و بر سرش گذاشتند و یک چوب به نشانه عصای سلطنت به دست راست او گفتند: درود بر پادشاه یهودا پس از آن به‌کردند و با ریشخند می‌دادند و پیش او تعظیم می .صورتش آب دهان انداختند و چوب را از دستش گرفته بر سرش زدند

:نزدیک به ساعت سه عیسی فریاد زد و گفت

ای‌خدای من خدای من چرا مرا تنها گذاشته

زند یکی از آنان دوید وبعضی که آنجا ایستاده بودند تصور کردند که الیاس نبی را صدا می ظرفی از شراب ترشیده را بر سر یک چوب گذاشت و نزدیک دهان او برد تا بنوشد ولی دیگران دهد یا نه آنگاه عیسی‌آید و او را نجات می‌گفتند کاری نداشته باش بگذار ببینیم آیا الیاس می .ناله دیگری بر آورد و جان سپرد

سرگذشت عیسی مسیح نوشته لوقا

شودزن بدکاره آمرزیده می

روزی یکی از فریسیان عیسی را برای صرف غذا به خانه خود دعوت کرد عیسی نیز دعوت او را پذیرفت و به خانه او رفت وقتی سر سفره نشسته بودند زنی بدکاره که شنیده بود عیسی در آن بها برداشت و وارد شد و پشت سر عیسی نزد پاهایش‌ای نفیس پر از عطر گران‌خانه است شیشه چکید و او با موهای سرهای اشک او روی پاهای عیسی می‌نشست و شروع به گریستن کرد قطره ها عطر ریخت‌کرد سپس پاهای عیسی را بوسید و روی آن‌ها را پاک می‌خود آن.

خانه یعنی آن فریسی وقتی این وضع را مشاهده نمود و آن زن را شناخت با خودصاحب کار و ناپاک است‌شد که این زن گناه‌گفت: اگر این مرد فرستاده خدا بود یقیناً متوجه می.

خواهم چیزی به تو بگویم‌عیسی خیالات دل او را درک کرد و به او گفت: شمعون می شمعون گفت: بفرما استاد

آنگاه عیسی داستانی برای او تعریف کرد و گفت:

یک از آن‌شخصی از دو نفر طلب داشت از یکی پانصد سکه و از دیگری پنجاه سکه اما هیچ توانست بدهی خود را بپردازد پس آن مرد مهربان هر دو را بخشید و از طلب خوددو مرد نمی یک از آن دو او را بیشتر دوست خواهد داشت؟پوشی کرد حال به نظر تو کدام‌چشم

شمعون جواب داد: به نظر من آنکه بیشتر بدهکار بود

عیسی فرمود: درست گفتی پس به آن زن اشاره کرد و به شمعون گفت: به این زن که اینجا زانو زده است خوب نگاه کن وقتی به خانه تو آمدم به خودت زحمت ندادی که برای شستشو پاهایم آب بیاوری اما او پاهای مرا با اشک چشمانش شست و با موهای سرش خشک کرد به رسم معمول صورتم را نبوسیدی اما از وقتی که داخل شدم این زن از بوسیدن پاهای من دست نکشیده است تو غفلت کردی که به رسم احترام روغن بر سرم بمالی اما او پاهای مرا عطرآگین دهد چون گناهان بسیارش آمرزیده‌کرده است از این رو است که او محبت بیشتری نشان می دهد آنگاه رو به آن زن‌شده است اما هر که کمتر بخشیده شده باشد محبت کمتری نشان می کرد و فرمود: گناهان تو بخشیده شد

گفتند: این مرد کیست که گناهان مردم رااشخاصی که بر سر سفره حضور داشتند با خود می

آمرزدنیز می

عیسی به آن زن فرمود: ایمانت باعث نجاتت شده است برخیز و آسوده خاطر برو

مأموریت هفتاد شاگرد دیگر

صیدا چه سرنوشت وحشتناکی در انتظار شماست اگروای بر شما ای اهالی خورزین و بیت دادم اهالی‌ام در شهرهای فاسدی چون صور و صیدون انجام می‌معجزاتی را که برای شما کرده .کردندآمدند و توبه می‌ها پیش به زانو در می‌آنجا مدت

خواستید تا به آسمان سر برافرازید بدانید که‌ای مردم کفرناحوم به شما چه بگویم شما که می به جهنم سرنگون خواهید شد

سپس به شاگردان خود گفت: هر که شما را بپذیرد مرا پذیرفته است و هر که شما را رد کند .در واقع مرا رد کند خدایی که مرا فرستاده رد کرده است

پس از مدتی هفتاد شاگرد برگشتند و با خوشحالی به عیسی خبر دادند گفتند: خداوندا حتی کنندارواح پلید نیز به نام تو از ما اطاعت می

عیسی فرمود: بلی من شیطان را دیدم که همچون برق از آسمان به زیر افتاد من به شما قدرت ها را پایمال‌ها بگذرید و آن‌بخشیدم تا بر همه نیروهای شیطان مسلط شوید از میان مارها و عقرب چیز هرگز به شما آسیب نخواهد رسانید با وجود این فقط از این شادی نکنید که‌کنید و هیچ .کنند بلکه از این شاد باشید که نام شما در آسمان ثبت شده استارواح پلیدی از شما اطاعت می

وارستگی از طمع و مادیات

در این هنگام شخصی از میان جمعیت گفت: استاد به برادرم بفرما که ارث پدرم را با من تقسیم کند

عیسی جواب داد ای مرد چه کسی تعیین کرده که من قاضی شما باشم تا درباره این موضوع حکم کنم اما اگر از من می شنوید از طمع فرار کنید چون زندگی حقیقی به ثروت بستگی ندارد.

سپس این داستان را برای ایشان بیان کرد:

شخصی ثروتمند از مزرعه خود محصول فراوانی به دست آورد به طوری که تمام انبارهایش پر شد اما هنوز مقدار زیادی غله باقی مانده بود پس از تفکر بسیار بالاخره با خود گفت: انبارهایم را خراب می کنم و انبارهای بزرگ‌تری می سازم تا جای کافی برای محصول خود داشته باشم آنگاه به خود خواهم گفت ای مرد خوشبخت تو برای چندین سال محصول فراوان ذخیره کرده ای حالا دیگر راحت باش و به عیش و نوش بپرداز و خوش بگذاران.

اما خدا به او فرمود: ای نادان همین امشب جانت را خواهم گرفت آنگاه اموالی که اندوخته ای به چه کسی خواهد رسید.

آماده باشید

همواره لباس بر تن برای خدمت آماده باشید مانند خدمتکارانی که منتظرند اربابشان از جشن عروسی بازگردد و حاضرند هر وقت که برسد و در بزند در را به رویش باز کنند خوشا به حال آید بیدار باشند یقین بدانید که او خود لباس کار بر تن‌آن خدمتکارانی که وقتی اربابشان می کرده آنان را بر سفره خواهد نشاند و به پذیرایی از ایشان خواهد پرداخت بلی خوش به حال آن خانه‌دم اگر صاحب‌آید بیدار باشند خواه نیمه شب باشد خواه سپیده‌غلامانی که وقتی اربابشان می گونه نیزاش شود همان‌گذاشت وارد خانه‌ماند و نمی‌آید بیدار می‌دانست که دزد چه وقت می‌می زمان دقیق بازگشت ارباب معلوم نیست بنابراین شما نیز آماده باشید که من مسیح موعود نیز .هنگامی باز خواهم گشت که کمتر انتظارش را دارید

گویی یا برای همه؟پطروس از عیسی پرسید: خداوندا این را فقط برای ما می

گویم که اربابش اوعیسی خداوند در جواب فرمود: این را به هر خدمتکار امین و آگاهی می گمارد تا در غیاب خود خوراک و آذوقه را به موقع به ایشان بدهدرا بر سایر خدمتکاران می گردد او را در حال انجام وظیفه ببیند یقین‌خوشا به حال چنین خدمتکاری که وقتی اربابش بازمی .بدانید که او را ناظر تمام دارایی خود خواهد ساخت

ها باز نخواهد گشت به‌ولی ممکن است آن شخص با این تصور که اربابش به این زودی اذیت و آزار زیردستان خود بپردازد و وقت خود را به عیش و نوش بگذراند آنگاه در روزی که انتظارش را ندارد ارباب بازخواهد گشت و او را از مقامش برکنار کرده به جایی خواهد فرستاد و .شونداو را از مقامش برکنار کرده به جایی خواهد فرستاد که افراد نادرست و خائن فرستاده می

آن خدمتکاری که وظیفه خود را بداند و به آن عمل نکند به سختی مجازات خواهد شد به تری سپرده شود بازخواست بیشتری نیز از او به عمل خواهد آمد و نزد هرهرکه مسئولیت بزرگ کنید که آمدن‌کس که امانت بیشتری گذاشته شود مطالبه بیشتری نیز خواهد شد آیا تصور می شود نه بلکه به خاطر من مردم با یکدیگر اختلاف خواهندمن باعث صلح آشتی با یکدیگر می ها از هم پاشیده خواهد شد دو نفر به جانب من خواهند بود و سه نفر به ضد من‌کرد و خانواده نظر پدر خانواده درباره من با نظر پسرش متفاوت خواهد بود همچنین مادر با دختر و عروس با .مادر شوهر اختلاف خواهند نمود

توبه یا هلاکت

ای از زائران جلیلی را در اورشلیم بهدر همین وقت به عیسی اطلاع دادند که پیلاطوس عده عام کرده استهنگام تقدیم قربانی در خانه خدا قتل.

ترکنید این عده از سایر مردم جلیل گناهکارعیسی با شنیدن این خبر فرمود: آیا تصور می های بد خویش‌گونه رنج دیدند و کشته شدند به هیچ وجه شما نیز اگر از راه‌اند که این‌بوده بازنگردید و به سوی خدا بازگشت ننمایید مانند ایشان هلاک خواهید شد یا آن هجده نفری که اندتر بوده‌کاربرج سلوام بر روی ایشان فرو ریخت و کشته شدند آیا از همه ساکنان اورشلیم گناه هرگز شما نیز اگر توبه نکنید همگی هلاک خواهید شد.

سوی خدا بازگشت نمودتا فرصت باقی است باید به

رفت و کلام خدا را به مردم تعلیم‌عیسی بر سر راه خود به اورشلیم به شهرها و دهات مختلف می دادمی.

یافتگان کم خواهد بود؟روزی شخصی از او پرسید خداوندا آیا تعداد نجات

عیسی فرمود: در آسمان تنگ است پس بکوشید تا داخل شوید زیرا یقین بدانید که بسیاری خانه درتلاش خواهند کرد که داخل گردند اما نخواهند توانست زمانی خواهد رسید که صاحب را خواهد بست آنگاه شما بیرون ایستاده در خواهید زد و التماس خواهید کرد که خداوندا شناسم‌خداوندا در را به روی ما باز کن اما او جواب خواهد داد: که من شما را نمی.

های شهر ما را تعلیم دادی چگونه ما راشما خواهید گفت: ما با تو غذا خوردیم تو در کوچه شناسی‌نمی

شناسم ای بدکاران از اینجا دور شویداما او باز خواهد گفت: من به هیچ وجه شما را نمی آنگاه وقتی ببینید ابراهیم و اسحاق و یعقوب و همه انبیا در ملکوت خدا هستند و خودتان بیرون هایتان را خواهید گزید مردم از تمام نقاط جهان‌اید از شدت ناراحتی خواهید گریست و لب‌مانده آمده در ضیافت ملکوت خدا شرکت خواهند کرد اما شما محروم خواهید ماند بلی یقین بدانید شوند در آن زمان بسیار سرافراز خواهند گردید و آنانی‌آنانی که اکنون خار و حقیر شمرده می که حالا مورد احترام و تمجید هستند در آن زمان حقیر و ناچیز به حساب خواهند آمد.

استفاده درست از مال دنیا

عیسی این حکایت را برای شاگردان خود تعریف کرد

کرد اما به او خبرهای او رسیدگی می‌مردی ثروتمند مباشری داشت که به حساب دارایی ام که اموال‌کند پس او را خواست و به او گفت: شنیده‌رسید که مباشرش در اموال او خیانت می هایت را ببند چون از کار برکنار هستی‌کنی پس هرچه زودتر حساب‌مرا حیف و میل می.

زدن دارم و نه‌مباشر با خود فکر کرد حالا چه کنم وقتی از این کار برکنار شدم نه قدرت بیل روم‌دهد گدایی کنم دانستم چه کنم باید کاری کنم که وقتی از اینجا می‌غرورم اجازه می دوستان زیادی داشته باشم تا از من نگهداری کنند.

پس هریک از بدهکاران ارباب خود را فراخواند با ایشان گفتگو کرد از اولی پرسید چقدر به ارباب من بدهکار هستی؟

زیتون‌جواب داد: صد حلب روغن

اش کن و در یک قبض‌ای پاره‌مباشر گفت: درست است این هم قبضی است که امضا کرده دیگر بنویس پنجاه حلب

از دیگری پرسید تو چقدر بدهکاری

جواب داد: صد خروار گندم

به او گفت: قبض خود را بگیر و به جای آن بنویس هشتاد خروار

ایمان در روابط خود باآن مرد ثروتمند زیرکی مباشر خود را تحسین کرد در واقع مردم بی های بدتر از مردم خداشناس هستند مال دنیا اغلب در راه‌دیگران و در کارهای خود زیرک کنم که آن را در راه درست به کار گیرید تا دوستانی‌شود اما من به شما توصیه می‌مصرف می ای در آخرت خواهید داشت‌بیابید آنگاه وقتی مالتان از میان برود خانه.

اگر در کارهای کوچک درستکار باشید در کارهای بزرگ نیز درستکار خواهید بود و اگر در امور جزئی نادرست باشید در انجام وظایف بزرگ نیز نادرست خواهید بود پس اگر در مورد های حقیقی آسمانی به شماهای دنیوی امین و درستکار نبودید چگونه در خصوص ثروت‌ثروت

اعتماد خواهند کرد و اگر در مال دیگران خیانت کنید چه کسی مال خود شما را به دستتان تواند دو ارباب را خدمت کند زیرا یا از یکی نفرت دارد و به‌خواهد سپرد هیچ خدمتکاری نمی توانیدشمارد شما نیز نمی‌بندد و دیگری را پست می‌کند و یا به یکی دل می‌دیگری محبت می هم بنده خدا باشید و هم بنده پول.

دوست بودند عیسی به‌ها وقتی این سخنان را شنیدند او را مسخره کردند زیرا که پول‌فریسی داری به تن دارید اما خدا از باطن شریرتان با خبرایشان فرمود: شما در ظاهر لباس تقوا و دین شود که مردم به شما احترام بگذارند اما بدانید که آنچه در نظر انسان بااست تظاهر شما باعث می های یحیی تورات موسی وارزش است در نظر خدا مکروه و ناپسند است تا پیش از موعظه های انبیا راهنمای شما بودند اما حال که یحیی مژده فرارسیدن ملکوت خدا را داده استنوشته کوشند به زور وارد آن گردند اما این بدان معنی نیست که تورات حتی در یک جزمردم می اعتبار خود را از دست داده باشد بلکه همچون زمین و آسمان ثابت و پایدار است.

کند و هر مردی نیز که با زن‌هر که زن خود را طلاق دهد و با دیگری ازدواج کند زنا می شودای ازدواج کند در واقع مرتکب زنا می‌داده شده‌طلاق.

گفتار عیسی درباره آخرالزمان

روزی بعضی از فریسیان از عیسی پرسیدند: ملکوت خدا کی آغاز خواهد شد؟

عیسی جواب داد: ملکوت خدا با علائم قابل دیدن آغاز نخواهد شد و نخواهد گفت که در این گوشه و یا آن گوشه زمین آغاز شده است زیرا ملکوت خدا در میان شماست.

رسد که آرزو خواهید کرد حتی‌کمی بعد در این باره به شاگردان خود فرمود: زمانی می برای یک روز هم که شده با شما باشم اما این آرزو برآورده نخواهد شد به شما خبر خواهد جا هستم اما باور نکنید و به دنبال من نگردید زیرا وقتی‌ام و در فلان‌رسید که من بازگشته بازگردم بدون شک شما از آن آگاه خواهید شد بازگشت من در واقع همچون برق خواهد بود درخشد اما پیش از آن لازم است که زحمات بسیاری متحمل گردم وکه در تمام آسمان می توسط این قوم محکوم شوم.

توجه خواهند بود دردر زمان بازگشت من مردم دنیا مانند زمان نوح نسبت به امور الهی بی چیز به‌گذرانی بودند و همه‌زمان نوح مردم همه سرگرم خوردن و نوشیدن ازدواج و خوش صورت عادی جریان داشت تا روزی که نوح وارد کشتی شد و طوفان آمد و همه را از بین برد خوردن‌شان بودند می‌در آن زمان دنیا مانند زمان لوط خواهد بود که مردم غرق کارهای روزانه ساختند تا صبح روزی که لوط از شهرکاشتند و می‌کردند می‌نوشیدند خرید و فروش می‌و می چیز را از بین برد بلی به هنگام‌سدوم بیرون آمد و آتش و گوگرد از آسمان بارید و همه بازگشت من اوضاع دنیا به همین صورت خواهد بود.

در آن روز کسانی که از خانه بیرون رفته باشند برای بردن اموالشان به خانه بازنگردند و آنانی که در صحرا هستند به شهر بازنگردند به خاطر بیاورید بر سر زن لوط چه آمد هرکه بکوشد جان خود را حفظ کند آن را از دست خواهد داد اما هر که از جان خود بگذرد آن را نجات خواهد داد در آن شب دو نفر که در یک تخت خوابیده باشند یکی به آسمان برده خواهد شد و دیگری خواهد ماند دو زن که سرگرم کارهای خانه باشند یکی به آسمان برده شده یکی به جای خواهد کنند یکی برده شده و دیگری خواهد ماندماند دو نفر نیز که در مزرعه کار می.

شاگردان از عیسی پرسیدند خداوندا به کجا برده خواهند شد؟

.عیسی فرمود: جایی که لاشه باشد لاشخورها به دور آن جمع خواهند گشت

سرگذشت عیسی مسیح نوشته یوحنا

تولد تازه

گونه که موسی در بیابان مجسمه مار مفرغی را بر چوبی آویزان کرد تا مردم به آن نگاه‌همان کنند و از مرگ نجات یابند من نیز باید به صلیب آویخته شوم تا مردم به من ایمان آورده از گناه نجات پیدا کنند و زندگی جاوید بیابند زیرا خدا به قدری مردم جهان را دوست دارد که یگانه فرزند خود را فرستاده است تا هر که به او ایمان آورد هلاک نشود بلکه زندگی جاوید بیابد خدا .فرزند خود را فرستاده است نه برای این که مردم را محکوم کند بلکه به وسیله او نجاتشان دهد

کسانی که به او ایمان بیاورند هیچ نوع محکومیت و هلاکتی در انتظارشان نیست ولی کسانی .انداند چون به یگانه فرزند خدا ایمان نیاورده‌اکنون محکوم‌که به او ایمان نیاورند از هم

ایمانان به این دلیل است که نوز از آسمان به این جهان آمد ولی مردم تاریکی‌محکومیت بی را بیشتر از نور دوست داشتند چون اعمال و رفتارشان بد است مردم از نور آسمانی نفرت دارند آلودشان‌شوند مبادا کارهای گناه‌خواهند در تاریکی گناه کنند پس به نور نزدیک نمی‌چون می آیند تا همه ببینندیده شود و به سزای اعمالشان برسند ولی درستکاران با شادی به سوی نور می .کنند پسندیده خدا است‌که آنچه می

مقام و اختیارات عیسی

کنم هرکه به پیغام من گوش دهد و به خدا که مرا فرستاده است ایمان بیاوردباز تکرار می زندگی جاوید دارد و هرگز به خاطر گناهانش بازخواست نخواهد شد بلکه از همان لحظه از نابودی نجات پیدا کرده به زندگی جاوید خواهد پیوست.

محاکمه زن بدکاره

عیسی به کوه زیتون بازگشت ولی روز بعد صبح زود باز به خانه خدا رفت مردم نیز دور از او جمع شدند عیسی نشست و مشغول تعلیم ایشان شد در همین وقت سران قوم و فریسیان زنی را کشان به مقابل جمعیت آوردند و به عیسی گفتند: استاد ما این‌که در حال زنا گرفته بودند کشان ایم او مطابق قانون موسی باید کشته شود ولی نظر شما چیست؟زن را به هنگام عمل زنا گرفته

خواستند عیسی چیزی بگوید تا او را به دام بیندازند و محکوم کنند ولی عیسی سر راآنان می خواستند که اونوشت سران قوم با اصرار می‌پایین انداخت و با انگشت روی زمین چیزهایی می قدر بر او سنگ‌جواب دهد پس عیسی سر خود را بلند کرد و به ایشان فرمود: بسیار خب آن .بیندازید تا بمیرد ولی سنگ اول را کسی به او بزند که خود تا به حال گناهی نکرده است

کنندیهودیان عیسی را به عنوان مسیح قبول نمی

آیند من به‌ها به دنبال من می‌شناسم و آن‌شناسند من نیز ایشان را می‌گوسفندان من صدای مرا می توانند ایشان را از دست‌کس نیز نمی‌بخشم تا هرگز هلاک نشوند هیچ‌ایشان زندگی جاوید می تواند ایشان راتر است هیچ انسانی نمی‌من بگیرد چون پدرم ایشان را به من داده و او از همه قوی .از پدرم بگیرد من و پدرم خدا یکی هستیم

دهد که با او پیوند داشته‌عیسی به شاگردان تعلیم می باشند

هایی رابرد و شاخه‌ای را که میوه ندهد می‌من تاک حقیقی هستم و پدرم باغبان است او هر شاخه کند تا میوه بیشتری بدهند شما در من بمانید و در من زندگی کنید ودهند اصلاح می‌که میوه می تواندبگذارید من هم در شما بمانم و زندگی کنم زیرا وقتی شاخه از درخت جدا شود دیگر نمی .توانید بارور و مفید باشیدمیوه بدهد شما نیز جدا از من نمی

های من هر که در من زندگی کند و من نیز در او زندگی‌بله من تاک هستم شما نیز شاخه دهد چون جدا از من هیچ کاری از شما ساخته نیست اگر کسی از من جداکنم میوه فراوان می شود سپس آن را با سایراندازند و خشکیده می‌برند دور می‌فایده آن را می‌ای بی‌شود مانند شاخه سوزانند ولی اگر در من بمانید و از کلام من اطاعت کنیدکنند و در آتش می‌ها جمع می‌شاخه دهند و این باعث‌هر چه بخواهید به شما خواهد داد شاگردان واقعی من محصول فراوان می .شودبزرگی و جلال پدرم خدا می

اعمال رسولان مسیح

انتخاب شاگرد جدید به جای یهودا

برادران لازم بود پیشگویی کتاب آسمانی درباره یهودا عملی شود که اشخاص شریر را راهنمایی القدس‌ها قبل از آن داود نبی خیانت یهودا را با الهام روح‌کرد تا عیسی را بگیرند زیرا مدت پیشگویی کرده بود یهودا یکی از ما بود او را نیز عیسی مسیح انتخاب کرده بود تا مانند ما رسول جا با سر سقوط کردای خرید در همان‌خدا باشد ولی با پولی که بابت خیانت خود گرفت مزرعه هایش بیرون ریخت خبر مرگ او فوری در شهر پیچید و مردم‌از میان دوپاره شد و تمام روده .اسم آن زمین را مزرعه خون گذاشتند

بینی کرده‌چنین پیش‌پطروس ادامه داد و گفت: داود پادشاه در این مورد در کتاب زبور این .گوید مقام او را به دیگری بدهنداش خراب شود و کسی آنجا منزل نکند و باز می‌است: خانه

موعظه پطروس رسول

خدا از زبان او فرمود: در روزهای آخر تمام مردم را از روح خود پرخواهم ساخت تا پسران و ها ببینند بله تمام خدمتگزارانم رادختران شما نبوت کنند و جوانان شما رؤیاها و پیران شما خواب چه مرد و چه زن از روح خود پرخواهم کرد و ایشان نبوت نموده از جانب من سخن خواهند گفت در آسمان زمین علامات عجیب ظاهر خواهند نمود و بر زمین خون جاری خواهد شد از هوا آتش خواهد بارید و دود غلیظ برخواهد خواست پیش از آن روز بزرگ خداوند خورشید تاریک شده ماه به رنگ خون در خواهد آمد اما هر که خداوند را به کمک بطلبد خداوند او را نجات خواهد داد.

پیغامبران راجع به عیسی پیشگویی کرده بودند

دانم که رفتار شما و سران قوم شما از روی نادانی بود ازبرادران عزیز در ضمن این را نیز می های کتاب آسمانی مسیح برطرف دیگر دست خدا هم در این کار بود زیرا مطابق پیشگویی طور که از قدیم پیشگوییروی صلیب برای آمرزش گناهان ما جان خود را فدا کرد چون همان چیز از آلودگی گناه پاک شود برای نمونه موسی‌شده است مسیح باید در آسمان بماند تا همه گویدفرستد هر چه او می‌ها پیش فرمود: خداوند پیامبری مثل من از میان شما و برای شما می‌سال .با دقت گوش کنید هر که به او گوش ندهد هلاک خواهد شد

انتخاب هفت نفر برای خدمت

ای از گروه آزادشدگان یهودی برای بحث و مجادله نزد استیفان آمدند این عده ازاما روزی عده توانست در برابر روح و حکمتقیروان اسکندریه مصر قیلیقیه و آسیا آمده بودند ولی کس نمی استیفان مقاومت کند.

.پس آنان به چند نفر رشوه دادند تا بگویند ما شنیدیم که استیفان به موسی و خدا کفر گفت

این تهمت به شدت مردم را بر ضد استیفان تحریک کرد پس سران قوم یهود او را گرفتند و برای محاکمه به مجلس شورا بردند شاهدان دروغین بر ضد استیفان شهادت داده و گفتند که او گویدمرتب به خانه خدا و تورات بد می

گفت عیسی ناصری خانه خدا را خرابآنان گفتند: ما با گوش خودمان شنیدیم که می خواهد کرد و تمام احکام موسی را باطل خواهد ساخت در این لحظه تمام اعضای شورا دیدند درخشیدکه صورت استیفان همچون صورت فرشته می.

موعظه استیفان نخستین شهید مسیحیت

ها صحت دارد؟آنگاه کاهن اعظم از استیفان پرسید: آیا این تهمت

النهرین به جد ما ابراهیم ظاهر شداستیفان به تفسیر جواب داد: خدای پرشکوه و جلال در بین پیش از آنکه او به حران کوچ کند خدا به او فرمود: از وطن خود بیرون بیا و با والدین و بستگانت وداع کن و عازم سرزمینی شو که به تو نشان خواهم داد.

پس ابراهیم از سرزمین کلدانیان بیرون آمد و به حران رفت و تا مرگ پدر در آنجا ماند سپس خدا او را به اینجا آورد که امروز سرزمین اسرائیل است ولی در آن روز حتی یک وجب از آن زمین را به او نداد اما به او قول داد که سرانجام تمام این سرزمین از آن او و نسل او خواهد شد و این در حالی بود که ابراهیم هنوز صاحب فرزندی نشده بود از طرف دیگر خدا به ابراهیم فرمود فرزندان او از آنجا خارج شده در سرزمینی بیگانه چهارصد سال اسیر خواهند بود و خداوند فرمود من آن قومی را که ایشان را اسیر سازد مجازات خواهم نمود و بعد قوم خود را به این سرزمین بازخواهم آورد تا مرا عبادت کنند.

وقتی موسی چهل ساله شد روزی به فکرش رسید که دیداری از برادران اسرائیلی خود به کرد پس موسی آن‌عمل آورد در این بازدید یک مصری را دید که به یک اسرائیلی ظلم می اند که خدا او را به کمک‌کرد برادران اسرائیلی او فهمیده‌مصری را کشت موسی تصور می ایشان فرستاده است ولی ایشان به هیچ وجه به این موضوع پی نبرده بودند.

سران قوم یهود از این سخنان سخت برآشفتند و به شدت خشمگین شدند ولی استیفان پر از القدس به سوی آسمان خیره شد و جلال خدا را دید و همچون عیسی را که در دست راست‌روح بینم که باز شده است و مسیح‌خدا ایستاده بود سپس به ایشان گفت: نگاه کنید من آسمان را می بینم که در دست راست خدا ایستاده است‌را می.

های خود را گرفتند و تا توانستند فریاد زدند و بر سرحضار که دیگر طاقت نداشتند گوش کشان او را از شهر بیرون بردند تا سنگسارش کنند کسانی که علیه‌استیفان ریختند و کشان استیفان رسماً شهادت دادند با آنانی که او را سنگسار کردند عبای خود را از تن در آوردند و پیش پای جوانی گذاشتند به نام پولس.

کردند او چنین دعا کرد: ای عیسی خداوند روح‌در همان حالی که استیفان را سنگسار می مرا بپذیر سپس روی زانوها افتاد و با صدای بلند گفت: خداوندا این گناه را به حساب آنان نگذار .بعد از این دعا جان سپرد

شودپولس دشمن مسیح پیرو مسیح می

به این ترتیب پولس پیروی مسیح شد و کلیسا آرامش یافت و قوت گرفت و در یهودیه و جلیل و القدس زندگی کنندداران نیز آموختند با ترس خدا و تسلی روح‌سامره پیشرفت کرد ایمان.

شودافسر رومی پیروی مسیح می

کرد که فرمانده هنگی بود معروف‌در شهر قیصریه یک افسر رومی به نام کرنیلیوس زندگی می به ایتالیایی او شخصی خداپرست و پرهیزکار بود و خانواده خداترس داشت.

بام رفت تا دعا کند ظهرشدند پطروس به پشت‌روز بعد وقتی این افراد به شهر یافا نزدیک می کردند پطروس در عالم رؤیابود و پطروس گرسنه شد در همان حال که خوراک را آماده می ای بزرگ به طرف زمین آمد که از چهارگوشه آویزان بود در آن‌دید که آسمان باز شد و سفره ها برای یهودیان حرام‌سفره همه نوع حیوان حشره و پرنده وحشی وجود داشت که خوردن آن خواهی ذبح کن و بخوربود سپس صدایی به پطروس گفت: برخیز و هرکدام را که می.

پطروس گفت: خداوندا من هرگز چنین کاری نخواهم کرد در تمام عمرم هرگز گوشت ام‌حرام نخورده.

خواند تو آن را حرام‌باز آن صدا گفت: دستور خدا را رد نکن اگر خدا چیزی را حلال می نخوان.

آزادی پطروس از زندان هیرودیس

شب قبل از آن روزی که قرار بود پطروس کشته شود او را به دو زنجیر بسته بودند و او بین دو دادند ناگهان زندان روشن شد وسرباز خوابیده بود سربازان دیگر نیز در کنار زندان کشیک می فرشته خداوند آمد و کنار پطروس ایستاد سپس به پهلوی پطروس زد و او را بیدار کرد و گفت: هایش باز شد و بر زمین فرو ریخت فرشته به‌زود باش بلند شو همان لحظه زنجیرها از مچ دست هایت را بپوش پطروس پوشید آنگاه فرشته به او گفت: ردای خود را برها و کفش‌او گفت: لباس .دوش بینداز و دنبال من بیا

کردند وقتی هیرودیس دنبال اوصبح در زندان غوغایی بپا شد همه پطروس را جستجو می فرستاد و فهمید که در زندان نیست هر شانزده نگهبان را بازداشت کرد و حکم اعدامشان را .صادر نمود آنگاه یهودیه را ترک کرد و به قیصریه رفت و مدتی را آنجا ماند

مرگ هیرودیس

وقتی هیرودیس در قیصریه بود هیئتی از نمایندگان شهرهای صور و صیدون به دیدن او آمدند هیرودیس نسبت به اهالی این دو شهر خصومتی عجیبی داشت پس ایشان حمایت بلاسدوس وزیر دربار او را بدست آوردند و از هیرودیس تقاضای صلح کردند زیرا اقتصاد شهرهای آنان به داد و ستد با سرزمین او بستگی داشت سرانجام اجازه شرفیابی گرفتند در آن روز هیرودیس لباس ای پوشید و بر تخت سلطنت نشست و نطقی ایراد کرد وقتی صحبت او تمام شد مردم او راشاهانه گفتند: این صدای خداست نه انسان‌مثل خدا پرستش کردند و فریاد زنان می

همان لحظه فرشته خداوند هیرودیس را چنان زد که بدنش پر از کرم شد و مرد زیرا بجای اینکه خدا را تمجید کنند اجازه داد تا مردم او را تمجید کنند.

شناساندپولس عیسی مسیح را به یهودیان می

اسرائیل اجداد ما را انتخاب کرد و با شکوه و جلال تمام از چنگ مصریان رهایی‌خدای بنی
بخشید و سرافراز نمود در آن چهل سالی که در بیابان سرگردان بودند او از آنان مواظبت کرد
سپس هفت قوم ساکن کنعان را از بین برد و سرزمین آنان را به اسرائیل به ارث داد پس از آن
.چهارصد و پنجاه سال یعنی تا زمان سموئیل نبی رهبران گوناگون این قوم را اداره کردند

کننددر قرنتس هم یهودیان آشوب برپا می

کرد هم یهودیان و هم یونانیان رارفت و سعی می‌پولس روزهای شنبه به عبادتگاه یهودیان می متقاعد سازد پس از آنکه سیلاس و تیموتائوس از مقدونیه رسیدند پولس تمام وقت خود را آورد که عیسی همان مسیح است اما وقتی یهودیان باصرف موعظه کرد و برای یهودیان دلیل می او مخالفت کردند و به عیسی بد گفتند پولس گرد و خاک آن شهر را از لباس خود تکانید و گفت: خونتان به گردن خودتان من از خون شما بری هستم از این پس پیغام خدا را به غیر .یهودیان خواهم رسانید

اما وقتی گالیون حاکم ایالت اخائیه شد یهودیان با هم به ضد پولی برخاستند و او را برای کند که‌محاکمه به حضور حاکم بردند آنان پولس را متهم ساخته و گفتند: او مردم را وادار می هایی که بر خلاف قوانین حکومت روم است بپرستند ولی درست در همان لحظه‌خدا را با روش خواست از خود دفاع کند گالیون رو به مدعیان کرد و گفت: ای یهودیان گوش‌که پولس می دادم اما چون جنگ و جدال شما برکنید اگر جرم و جنایتی در کار بود به سخنان شما گوش می سر کلمات اشخاص و قوانین مذهب خودتان است خود شما آن را حل و فصل کنید من نه به این .کنم آنگاه ایشان را از دادگاه بیرون کردچیزها علاقه دارم و نه در این مورد دخالت می

پرستی‌خدمت پولس در افسس مرکز بت

گشتند و برای اخراج ارواح ناپاک وردگرد که شهر به شهر می‌بار گروهی از یهودیان دوره‌یک
توانند ارواح‌خواندند خواستند امتحان کنند که اگر اسم عیسی خداوند را بر زبان آورند می‌می
خواندند این بود: ای روح ناپاک به‌پلید را از وجود دیوانگان بیرون کنند یا نه وردی هم که می
دهیم که از وجود این دیوانه بیرون‌کند تو را قسم می‌اش موعظه می‌همان عیسی که پولس درباره
کردند اما وقتی این را روی یک‌بیایی هفت پسر اسکیوا که یک کاهن یهودی بود این کار را می
شناسم پولس را هم‌دیوانه امتحان کردند روح ناپاک جواب داد و گفت: من عیسی را می
ها حمله کرد و آنان را چنان زد که برهنه وشناسم ولی شما دیگر کیستید پس دیوانه به آن‌می
آلود از خانه فرار کردند این خبر در سراسر افسس پیچید و به گوش هر یهودی و یونانی‌خون
.گذاشتندرسید به طوری که همه ترسیدند و از آن پس به نام عیسی خداوند احترام می

دستگیری پولس در اورشلیم

کنیم چهار نفر در اینجا هستند که به رسم یهود نذر کردند تو با ایشان‌طور پیشنهاد می‌پس ما این به خانه خدا برو و مراسم طهارت را با آنان انجام بده و در ضمن مخارج ایشان را نیز بپرداز تا های یهود را برای‌بتوانند سرشان را بتراشند آنگاه به همه ثابت خواهد شد که تو رعایت سنت کنی و با ما درهای یهود را رعایت می‌دانی و خودت را نیز قانون‌مسیحیان یهودی نژاد جایز می باشی از یهودیان غیر یهودی هم ما هرگز نخواستیم پایبند آداب یهود باشندعقیده می‌این امور هم شوند و گوشت حیوانات مرده‌ها قربانی می‌فقط به آنان نوشتیم گوشت حیواناتی را که برای بت .را نخورند و زنا هم نکنند

پولس راضی شد و روز بعد با چهار نفر طهارت کرد و به خانه خدا رفت سپس اعلام کرد .که یک هفته بعد برای هر یک از ایشان قربانی تقدیم خواهد کرد

هنوز هفته به آخر نرسیده بود که چند نفر از یهودیان آسیا پولس را در خانه خدا دیدند و اسرائیل بشتابید و کمک‌ها وی را گرفته فریاد زدند: ای قوم بنی‌مردم را به ضد او شورانیدند آن گوید که احکام یهود را زیر پاکند و به همه می‌کنید این همان است که به ضد قوم ما موعظه می ها را نیز با خودش آورده تا اینجا را نجس‌گوید و خارجی‌بگذارند حتی به خانه خدا هم بد می سازد چون صبح همان روز پولس را با یک نفر غیر یهودی به نام تروفیموس اهل افسس در بازار دیده بودند و تصور کردند پولس او را به خانه خدا آورده است تمام مردم شهر به هیجان آمدند و آشوب بزرگی به راه افتاد پولس را به زور از خانه خدا بیرون کشیدند و فوری درها را پشت زدند به فرمانده هنگ رومی خبر رسید که درطور که او را به قصد کشت می‌سر او بستند همین درنگ با سربازان و افسران خود به سوی جمعیت شتافت چشم مردم که‌شهر غوغاست او نیز بی .به سربازها افتاد از زدن پولس دست کشیدند

پولس در حضور اغریپاس پادشاه و فستوس فرماندار

چند روز بعد اغریپاس پادشاه با همسر خود بر نیکی برای دیدن فستوس به قیصریه آمد در آن چند روزی که آنجا بودند فستوس موضوع پولس را پیش کشید و به پادشاه گفت: یک زندانی داریم که فلیکس محاکمه او را به من واگذار کرد وقتی در اورشلیم بودم کاهنان اعظم و مشایخ یهود نزد من از او شکایت کردند و خواستند اعدامش کنم البته من فوری به ایشان گفتم که شود که باکند بلکه اول به او فرصت داده می‌قانون روم کسی را بدون محاکمه محکوم نمی .شاکیان خود روبرو شود و از خود دفاع کند

نامه پولس به مسیحیان روم

نویسم خدا مرا برگزیده وباشم این نامه را برای شما می‌من پولس که غلام عیسی مسیح می اش را از زمانی دور توسطفرستاده است تا مژده انجیل او را به همگان برسانم انجیلی که وعده .انبیا خود در کتاب آسمانی داده بود

خشم خدا نسبت به گناهان بشر

اند نازل‌خدا خشم و غضب خود را بر تمام اشخاص گناهکار و نادرست که از حقیقت گریزان هایشان را از این‌کند برای آنان حقیقت وجود خدا کاملاً روشن است زیرا خدا وجدان‌می حقیقت آگاه ساخته است انسان از ابتدا آسمان و زمین و چیزهایی را که خدا آفریده دیده است تواند به وجود خدا و قدرت ابدی او پی ببرد پس وقتی در روز داوری درها می‌و با دیدن آن ای ندارد به همین دلیل است که خداایمانی خود هیچ عذر و بهانه‌ایستد برای بی‌حضور خدا می ها به جای روابط جنسی طبیعی با زنان‌مردم را به حال خود رها کرده است به طوری که حتی زن گردند و مردها نیز به جای اینکه با زنان خود روابط طبیعی زناشویی‌دیگر مرتکب اعمال قبیح می شوند بنابراین سزای کارهای کثیف‌آور می‌داشته باشند با مردهای دیگر مرتکب گناهان شرم .بینندخود را در روح و بدن خود می

شود ایشان دشمنان خدا هستند با غرور و گستاخی‌چینی و غیبت از زبانشان دور نمی‌سخن گردند تا بیشتر گناه ورزند هرگز مطیع والدین‌های تازه می‌کنند همیشه به دنبال راه‌خودستایی می دانند خدا برای چنین‌رحم با اینکه می‌عاطفه و بی‌اند و بدقول و بی‌احساس‌شوند بی‌خود نمی گردند بلکه دیگران‌ها می‌اعمالی مجازات مرگ تعیین کرده است نه فقط خودشان مرتکب آن .کنندرا نیز به انجام این کارها تشویق می

کاران داوری کندتواند بر گناه‌فقط خدا می

دانیم که خدا هر کسی را که مرتکب چنین اعمالی شود عادلانه و به سختی مجازات خواهدمی کنی که خدا دیگران را برای این گناهان مجازات خواهد کرد اما ازکرد ای آدمی آیا تصور می پوشی خواهد نمود اگر خدا تا به حال نسبت به تو صبر و تحمل نشان داده آیا این‌گناهان تو چشم دانی اگر دل خودت را سخت کنی و توبه نکنی برای خود مجازات‌را نتیجه ضعف او می رسد روزی که در آن‌آوری زیرا به زودی روز خشن و غضب خدا فرا می‌وحشتناکی فراهم می خدا تمام مردم جهان را عادلانه محکوم خواهد کرد و به هرکس مطابق کارهایش پاداش یا کیفر آورند و خواستار جلال و بزرگی‌اش را به جا می‌خواهد داد او به آنانی که با صبر و تحمل اراده و زندگی جاویدند زندگی جاوید عطا خواهد کرد اما آنانی را که با حقیقت وجود خدا ضدیت کنند به شدت مجازات خواهد کرد بلی ایشان مورد خشم و غضب خدا واقع خواهند شد رنج‌می ورزیدند از یهودی گرفته تا غیرگیر همه کسانی خواهد گردید که گناه می‌و عذاب گریبان یهودی.

داوری منصفانه خدا

کار را هر که باشد مجازات خواهد کرد به عنوان مثال مردم وحشی و از همه جاخدا شخص گناه .کنند اگر مرتکب گناه شوند خدا مجازاتشان خواهد کردها زندگی می‌خبر که در جنگل‌بی

طرف دیگر اشخاصی که دارای دین و مذهب هستند اگر گناه کنند خدا مجازاتشان خواهد ها راکرد چون ایشان با اینکه دارای کتاب آسمانی و احکام نوشته شده خدا هستند و آن زننددانند اما در آن قدم نمی‌کنند ایشان راه راست را می‌ها اطاعت نمی‌خوانند اما از آن‌می ها چه غیر یهودی‌شود بلکه اجرای آن‌بنابراین باید گفت که دانستن احکام خدا سبب نجات نمی فرمایدکتاب آسمانی نیز در این باره می:

کس نیکوکار نیست‌هیچ

شودگناه هم یافت نمی‌در تمام عالم یک بی

کس به راه خدا نرفته و کسی واقعاً طالب او نبوده است‌هیچ

انداند همه به راه خطا رفته‌همه از او روی برگردانیده

حتی یک نفر هم نیست که نیکوکار بوده باشد سخنان ایشان کثیف و متعفن است همچون رسدبوی تعفنی که از قبر به مشام می

برندزبانشان را برای فریب دادن به کار می

سخنانشان همچون نیش مار کشنده است

دهانشان پر از لعنت و تلخی است

پاهایشان برای خون ریختن شتابان است

از آرامش الهی نصیبی ندارند

احترام و ترس خدا جایی در قلبشان ندارد

بایست‌بنابراین خدا یهودیان را خیلی شدیدتر داوری و مجازات خواهد کرد زیرا ایشان می بجای اینکه مرتکب چنین گناهانی شوند دستورات و احکام خدا را به جا آورند به همین علت

ای بیاورند درایمانی و گناهان خود عذر و بهانه‌ها نخواهند توانست برای بی‌هیچ یک از آن
.اندحقیقت تمام مردم دنیا در برابر تخت داوری خدای قادر مطلق مقصر و محکوم

ابراهیم و نجات او

گناه به حساب آورد آیا به خاطر اعمال نیک وحال ببینیم خدا جد ما ابراهیم را بر چه اساسی بی
انجام تشریفات مذهبی بود یا به خاطر ایمانش اگر به خاطر اعمال نیکش بود پس جا داشت که به
فرمایدخود ببالد اما از دیدگاه خدا ابراهیم هیچ علتی برای بالیدن نداشت زیرا کتاب آسمانی می:

گناه بهابراهیم به خدا ایمان آورد به همین دلیل خدا از خطایای او چشم پوشید و او را بی
شما آورد.

آیدهای خدا به وسیله ایمان بدست میوعده

ای است اما حقیقت امر این است که هرگاه بکوشیم نجات وایمان به خدا نیز کار احمقانه شود که مورداش این میسعادت الهی را از راه انجام احکام شریعت بدست آوریم همیشه نتیجه شویم آن احکام را کاملاً رعایت کنیم ماگاه موفق نمیخشم و غضب خدا قرار گیریم زیرا هیچ شکنی نکنیم که اصلاً قانونی وجود نداشته باشدتوانیم قانونتنها زمانی می.

گناه حضرت آدم و بخشش عیسی مسیح

وقتی حضرت آدم گناه کرد گناه او تمام نسل بشر را آلوده ساخت و باعث شیوع مرگ در
ها همه گناه‌سراسر جهان شد در نتیجه همه چیز دچار فرسودگی و تباهی گشت چون انسان
کردند یقین داریم که گناه آدم تمام این مسائل را به وجود آورد زیرا اگر چه مردم از زمان آدم
کردند اما خدا در آن زمان ایشان را به سبب زیر پا گذاشتن احکام خود محکوم‌تا موسی گناه می
ها نیز همه‌کرد چون هنوز احکام و دستورات خود را به ایشان عطا نکرده بود با وجود این آن‌نمی
مردند اما نه به همان علتی که حضرت آدم مرد زیرا ایشان مانند او از میوه درخت ممنوع نخورده
.بودند

بردگان پاکی و صداقت

در آن روزها که برده گناه بودید در قید و بند نیکی و راستی نبودید اما فایده چنین زندگی چه بود خودتان اکنون از آن کارها شرمگین هستید زیرا نتیجه اندای جز هلاکت ابدی نداشته.

های زمان حاضر هیچ است‌سختی

شویم در مقابل جلال و شکوهی که درهایی که در زمان حاضر متحمل می‌با وجود این سختی صبرانه منتظر روزی است که‌آینده خدا نصیبمان خواهد ساخت هیچ است تمام آفرینش نیز بی خدا فرزندان خود را پس از مرگ زنده کند زیرا جهان بر خلاف خواست خود به دستور خدا محکوم به فنا شد اما این امید هست که روزی جهان از قید فنا رها شود و در آزادی پرشکوهی دانیم که حتی حیوانات و گیاهان نیز که‌که متعلق به فرزندان خداست شریک گردد چون می کشد و در انتظار این‌اند همچون زنی که در حال زاییدن است درد می‌گرفتار بیماری و مرگ .کندواقعه بزرگ روزشماری می

محبت قابل اعتماد مسیح

چه اتفاقی ممکن است سبب شود که مسیح دیگر ما را محبت نکند زمانی که ناراحتی و مصیبتی دهد آیا علت آن این است که مسیح دیگر ما راآید و یا سختی و جفایی روی می‌پیش می دوست ندارد و یا زمانمی که در گرسنگی و تنگدستی هستیم و یا با خطر و مرگ روبرو دهنده این است که خدا ما را ترک گفته است‌ها نشان‌شویم آیا این‌می.

فرمایدهرگز زیرا کتاب آسمانی می:

که ما باید آماده باشیم تا به خاطر خدا هر آن با مرگ روبرو شویم ما همچون گوسفندانی برندهستیم که برای سربریدن می.

رحمت خدا بر قوم اسرائیل

فرمایدکند و می‌کتاب آسمانی ما نیز به همین موضوع اشاره می:

هایشان را طوری بسته است که وقتی‌ها و گوش‌خدا ایشان را به خواب فرو برده است و چشم .کنند این وضع تا به امروز نیز ادامه داردگوییم چیزی درک نمی‌راجع به مسیح با ایشان سخن می

باره چنین گفته استداود نبی نیز در این:

ها را به اشتباه بیندازد تا تصور کنند که‌های دیگرشان آن‌همان بهتر که سفره رنگین و نعمت خدا از ایشان راضی است همان بهتر که این برکات برای آنان همچون دام و تله باشد و هلاکشان شان‌کند چون سزایشان همین است همان بهتر که چشمانشان تار شود تا نتوانند ببینند و پشته .همواره زیر بار سنگین خم بماند

نجات غیر یهودیان

ها یعنی یهودیان به این دلیل قطع شدند که به خدا ایمان نداشتند شما نیزدرست است آن شاخه ها پیوند شدید که به خدا ایمان داشتید پس مغرور نشوید بلکه از خدافقط به این دلیل به جای آن ای طبیعی درخت رحم نکرد بر شما نیز رحم نخواهد کردبترسید زیرا اگر خدا بر شاخه.

رفتار ما در مقابل لطف خدا

های خود را مانندکنم که بدن‌داران عزیز در مقابل این لطف و رحمت خدا التماس می‌ای ایمان قربانی زنده و مقدس به او تقدیم کنید زیرا این است قربانی که مورد پسند اوست.

رفتار خوب مسیحی

در خدمت به خداوند تنبلی و سستی به خود راه ندهید بلکه با علاقه و شور و شوق او را خدمت کنید.

برادران عزیز هرگز از کسی انتقام نگیرید انتقام خود را به خداوند واگذار کنید چون در کتاب آسمانی نوشته شده:

ها از آن اوست که مجازات انسان

وظیفه مسیحیان نسبت به دولت

مطیع دولت و قوانین آن باشید زیرا آن را خدا برقرار کرده است در تمام نقاط جهان همه ها را خدا بر سر قدرت آورده است پس هرکه از قوانین کشور سرپیچی کند در واقع ازدولت خدا نا اطاعتی کرده است البته باید مجازات شود آنانی که اعمالشان درست است از مأموران خواهید درترسند پس اگر می‌دولت هراسی ندارند اما افراد خطاکار و نادرست همیشه از آنان می ترس و دلهره به سر نبرید قوانین را اطاعت کن و آسوده باش مأمور دولت از جانب خدا وظیفه دارد به تو کمک کند اما اگر کار خلافی انجام دهی از او بترس زیرا تو را مجازات خواهد کرد خدا او را برای همین منظور مقرر کرده است پس به دو دلیل باید مطیع قانون باشی اول مجازات نشوی و دوم اطاعت وظیفه توست.

وظیفه مسیحیان نسبت به یکدیگر

توانیم هر طور کهبه هر حال نباید فراموش کنیم که ما صاحب اختیار خود نیستیم و نمی خواهیم بمیریم چه در زندگی و چه در مرگ ما ازخواهیم زندگی کنیم و یا هر طور که می‌می کنیم و متعلق به او هستیم مسیح نیز به همین منظور مرد و زنده شد تا بتواند هم‌خداوند پیروی می .در طول زندگی و هم در زمان مرگمان خداوند و صاحب اختیار ما باشد

سخن آخر

خدای صلح و آرامش به زودی شیطان را زیر پاهای شما خواهد سایید فیض و لطف خداوند ما عیسی مسیح با شما باد.

نامه اول پولس به مسیحیان قرنتس

مسیح حکمت و قدرت خدا

کند هرقدر هم که‌هایی را که انسان برای رسیدن به خدا طرح می‌خدا فرموده است: تمام نقشه حکیمانه جلوه کند باطل خواهد ساخت و فکر و نبوغ خردمندان را نابود خواهم کرد.

پس کجایند این خردمندان و علمای دین و فلاسفه که درباره مسائل عمیق دنیا به بحث پردازند خدا ایشان را جاهل ساخته و نشان داده است که عقل و حکمت آنان پوچ و باطل‌می است.

شما خانه خدا هستید

اید که همه شما با هم خانه خدا هستید و روح خدا در میان شما یعنی در این‌آیا هنوز پی نبرده خانه ساکن است اگر کسی خانه خدا را آلوده و خراب کند خدا او را از بین خواهد برد زیرا .خانه خدا مقدس و پاک است و آن خانه شما هستید

دیگر خود را فریب ندهید اگر طبق معیارهای این جهان خود را صاحب هوش و خرد دانید بهتر است آن را کاملاً کنار بگذارید و یک نادان باشید که مبادا غرور بیجاای می‌العاده‌فوق شما را از حکمت واقعی خدا محروم کند زیرا حکمت این دنیا در نظر خدا حماقت محض است دهد که زیرکی انسان برای خودش‌طور که در کتاب آسمانی آمده است خدا اجازه می‌همان دامی شود و حکمت او باعث لغزش و سقوط خودش گردد همچنین آمده است که خداوند به .باشدخوبی آگاه است که هوش و حکمت انسان چقدر احمقانه و باطل می

اخراج عضو خطاکار از کلیسا

ام که در میان شما رسوایی بزرگی روی داده است و فسادی رخ داده که در میان مردمشنیده ام که یکی از اعضای کلیسای شما با زن پدر خود زندگی‌شود شنیده‌خدانشناس هم دیده نمی بالید پس این خمیرمایه گناه یعنی این شخص فاسد راکند آیا باز هم به روحانی بودن خود می‌می که چنین رسوایی به بار آورده است از میان خود بیرون کنید تا خمیری تازه و فطیر باشید که البته طور هستید زیرا اکنون عید پسح فرا رسیده و مسیح که بره قربانی این عیددانم که همین‌می باشد قربانی شده است پس بیایید این عید را برگزار کنیم‌می.

افراد خارج از کلیسا را خدا داوری و مجازت خواهد کرد بنابراین شما خودتان این مرد را داوری کنید و از کلیسا اخراج نمایید.

سؤال درباره ازدواج

درباره آنچه در نامه خود برای من نوشته بودید باید بگویم که خوب است مرد با زن تماس های جنسی که در اطراف ما وجود دارد بهتر است هر مرد برای‌نداشته باشد اما به سبب وسوسه خود زنی بگیرد و هر زن شوهری برای خود اختیار کند زن و مرد باید وظایف زناشویی خود را کند دیگر اختیار کامل بدن خود را ندارد‌نسبت به یکدیگر انجام دهند دختری که ازدواج می بلکه شوهرش نیز بر آن حقی دارد همچنین شوهر بر بدن خود اختیار کامل ندارد زیرا همسرش ها از رابطه زناشویی با یکدیگر پرهیز نکنید مگر برای‌نیز بر آن حقی دارد بنابراین شما زوج مدتی محدود

اند دیگر نه یک توصیه بلکه یک دستور دارم دستوری‌در اینجا برای آنانی که ازدواج کرده که از جانب من نیست بلکه خود خداوند آن را فرموده است و آن این است که زن نباید از شوهرش جدا شود اما اگر قبلاً از او جدا شده است بهتر است یا مجرد بماند یا نزد شوهرش .بازگردد شوهر نیز نباید زن خود را طلاق دهد

ایمان‌وضع زناشویی میان مسیحی و بی

کند تا زندگی خود را به مسیح بسپارد لزومی ندارد که او شرایط‌وقتی خدا شخصی را دعوت می و موقعیت سابق خود را تغییر دهد فرض کنید که شما برده کسی هستید لازم نیست از این موضوع ناراحت باشد البته اگر فرصتی برای آزادی پیش آمد از آن استفاده کنید اگر به هنگام دعوت خداوند برده باشید این را بدانید که مسیح شما را آزاد کرده است آزاد از قدرت گناه و اگر به هنگام دعوت خداوند برده نیستید بدانید که اکنون برده مسیح هستید مسیح شما را به .قیمت جان خود خریده است و شما از آن او هستید پس اسیر اصول انسانی نشوید

حقوق خدمتگزار خدا

من رسول و فرستاده خدا هستم و فقط در مقابل خدا مسئولم من کسی هستم که خداوندمان ام زندگی دگرگون شده شما نیز نتیجه خدمت من به او است حتی‌عیسی مسیح را با چشمانم دیده .اگر دیگران مرا رسول ندانند شما باید بدانید چون شما به وسیله من به مسیح ایمان آوردید

کنند این است آیا من مانند سایر رسولان این حق راجواب من به آنانی که از من انتقاد می .ندارم که خورد و خوراک خود را از کلیسا تأمین کنم

اگر زن داشتم و او نیز مسیحی بود آیا حق نداشتم او را در این سفرها به همراه بیاورم یعنی کنند آیا فقط من و برناباهمان کاری که سایر رسولان و برادران خداوندمان عیسی و پطروس می باید برای تأمین نیازهای خود کار کنیم ولی مخارج سایر رسولان را شما باید تأمین کنید کدام سرباز است که به هنگام خدمت نظام مخارج خود را شخصاً تأمین نماید یا کدام چوپان است که ای را چوپانی کند ولی حق نداشته باشد از شیر آن بنوشد شاید فکر کنید که این نکات را ازگله گوید در تورات حکم‌گویم اما چنین نیست زیرا قانون خدا نیز همین را می‌نقطه نظر انسانی می کوبد دهانش را نبند تا بتواند از خرمنت بخورد آیا تصورشده که وقتی گاو خرمنت را می .کنید که این دستور را برای ما نیز داده است‌کنید که خدا فقط به فکر گاوها بود آیا فکر نمی‌می

ایم حال اگر تقاضای کمک مالی داشته باشیم آیاما در دل شما بذر نیکوی روحانی را کاشته کنندایم شما نیازهای دیگران را که از نیاز روحانی شما را خدمت می‌چیز بزرگی خواسته طور نیز باید باشد پس آیا ما نباید نسبت به سایر آنان حق بیشتری‌سازید و همین‌برآورده می اش اجازه داد که‌شک به یاد دارید که خدا به خدمتگزاران خانه‌داشته باشیم با این حال ما بی آورند تأمین نماید و خدمتگزاران قربانگاه نیزخوراک خود را از هدایایی که مردم به خانه او می .های مردم سهمی ببرنداز قربانی

ها و شام خداوندسفره بت

باشیم یعنی بدن مسیح قوم یهود را در نظر بگیرید آیا آنانی که از گوشت‌همه عضو یک بدن می خواهید چه کنید آیاشوند می‌خورند به وسیله این عمل با یکدیگر متحد نمی‌قربانی می کند من‌ور سازید دلیل که تصور می‌خواهید آتش خشم و غضب خداوند را به ضد خود شعله‌می در اشتباهم جواب سؤال شما این است کارهای شما حتی خوردن و نوشیدنتان همه باید برای .جلال و بزرگی خدا باشد

پوشیده بودن سر زنان به هنگام عبادت

خواهم این موضوع را نیز یادآور شوم که هر زن باید از شوهر خود اطاعت کند و شوهراما می ای مردی‌کند به همین دلیل اگر در جلسه‌طور که مسیح هم از خدا اطاعت می‌نیز از مسیح همان احترامی کرده است زیرا این پوشش یا کلاه نشانه‌با سر پوشیده دعا یا نبوت کند به مسیح بی ای با سر برهنه دعا یا نبوت کند به شوهرش‌هاست همچنین اگر زنی در جلسه‌اطاعت از انسان خواهد سر خود را بپوشاند باید موی سرش را بتراشد و اگر ازاحترامی کرده است اگر زن نمی‌بی کشد پس باید سر خود را بپوشاند اما مرد نباید به هنگام عبادت سر خود رااین عمل خجالت می بپوشاند و یا کلاهی بر سر داشته باشد مرد جلال و شکوه خداست و به شکل او آفریده شده زن باشد نخستین مرد از زن به وجود نیامد بلکه اولین زن از مرد به وجودنیز جلال و شکوه مرد می آمد در ضمن نخستین مرد که آدم بود برای حوا آفریده نشد بلکه حوا برای آدم آفریده شد پس باشد این واقعیتی است که حتی‌زن باید سر خود را بپوشاند تا نشان دهد که مطیع شوهرش می اندفرشتگان به آن توجه دارند و به سبب آن شادمان.

زنده شدن مسیح پایه مسیحیت است

واقعیت این است که مسیح پس از مرگ دوباره زنده شد او نخستین فرد از میان کسانی است که در روز قیامت زنده خواهند شد.

طور که به علت گناه آدم مرگ به این دنیا آمد در اثر کار نجات بخش مسیح نیزهمان میریم زیرا از نسل گناهکار آدم هستیم چون هر جازندگی پس از مرگ نصیب ما شد همه ما می باشند پس ازگناه باشد مرگ نیز هست مرگ نیز وجود دارد اما همه کسانی که از آن مسیح می مرگ بار دیگر زنده خواهند شد اما هرکس به نوبت خود نخستین کس که زنده شد مسیح بود سپس به هنگام بازگشت او تمام آنانی که به او تعلق دارند زنده خواهند شد پس از آن آخرت فرا خواهد رسید در آن زمان مسیح تمام دشمنان خود را نابود خواهد ساخت و سلطنت را به خدای پدر واگذار خواهد کرد زیرا سلطنت مسیح تا زمانی خواهد بود که تمام دشمنان خود را نابود سازد آخرین دشمن او مرگ است که آن هم باشد مغلوب و نابود شود.

خاتمه نامه

نویسم اگر کسی خداوند را دوست ندارد لعنت بر او باد ای‌این کلمات را به دست خودم می خداوند مسیح بیا فیض خداوند ما عیسی مسیح با شما باشد همه شما که از آن عیسی مسیح هستید های قلبی مرا بپذیریدمحبت.

نامه دوم پولس به مسیحیان قرنتس

ما برای خدا عطر خوشبو هستیم

آنجا که مسیح در زندگی ما حضور دارد ما برای خدا عطری خوشبو هستیم عطری که بوی آن دارند ورسد چه گناهکار و چه نجات یافته برای آنانی که در راه گناه قدم برمی‌به مشام همه می انگیز محکومیت و مرگ هستیم اما برای آنانی که درروند ما بوی هراس‌به سوی هلاکت می بخشد اما چه‌دارند عطری هستیم که به همه چیز طراوت و تازگی می‌طریق نجات گام برمی .کسی قابلیت و توانایی آن را دارد که به این صورت انجیل را موعظه کند

کنیم‌با دلیری پیغام انجیل را موعظه می

گاه از میان نخواهد رفت پیغام انجیل را با نهایت‌دانیم که این جلال نوین هیچ‌پس چون می کنیم نه همچون موسی که نقابی به صورت خود زد تا قوم اسرائیل‌دلیری و اطمینان موعظه می .محو شدن جلال را از صورتش ببیند

بخشدپیغام ما روشن است و به مردم روشنایی می

باشد فقط برای آنانی چنین‌کنیم مبهم است و درک آن دشوار می‌اگر پیغام نجاتی که اعلام می روند شیطان که حاکم این دنیا پر از گناه است چشمان این اشخاص‌است که به سوی هلاکت می ایمان را بسته است تا نتوانند نور پرجلال انجیل را ببینند و معنی پیغام ما را درباره جلال مسیح‌بی .که چهره قابل روئیت خدای نادیده است درک کنند

ایمان‌دار و بی‌رابطه ایمان

تواند بین پاکی و گناه پیوندی باشد آیا نور وبا ایمانان پیوند و همبستگی ایجاد نکنید آیا می دارتاریکی با یکدیگر ارتباطی دارند یا بین مسیح و شیطان توافقی وجود دارد آیا بین یک ایمان خانه یکی دانست زیرا شما خانه‌توان خانه خدا را با بت‌ایمان وجه اشتراکی است آیا می‌و بی خدای زنده هستید و خدا در شما ساکن است چنانکه او فرموده است من در ایشان ساکن خواهم شد و در میانشان اقامت خواهم گزید و من خدای آنان خواهم بود و ایشان قوم من از این رو فرماید: از میان گناهکاران خارج شوید خود را از ایشان جدا سازید به چیزهای‌است که خدا می ناپاک دست نزنید تا شما بپذیرم آنگاه من پدر شما خواهم بود و شما پسران و دختران من

شادی پولس

گردد که انسان ازدهد که انسان دچار غم و اندوه گردد چنین غمی سبب می‌گاه خدا اجازه می گناه دست بکشد و در جستجوی زندگی جاوید بر آید هیچ پشیمانی نیز در آن وجود ندارد اما .غم این دنیا غمی نیست که باعث توبه از گناه شود و از هلاکت ابدی جلوگیری نماید

کندپولس از خدمت خود دفاع می

کنم بلی این درخواست را همان‌حال با همان آرامی و مهربانی مسیح از شما درخواستی می های تهدید آمیزگویند: وقتی از ما دور است نامه‌اش می‌کند که برخی از شما درباره‌پولس می کند حتی سخنی بگویدنویسد اما وقتی نزد ما است جرأت نمی‌می

رسم با خشونت با شما رفتار کنم‌درخواست من است که کاری نکنید وقتی نزد شما می خواهم کار به جایی بکشد که مجبور شوم بعضی از شما را تنبیه کنم یعنی آنانی را که تصورنمی کنند کارها و سخنان من غیر روحانی و انسانی است اگر چه من یک انسان عادی و ضعیف‌می .کنم‌ها و دستورات انسانی استفاده نمی‌هستم اما برای پیروزی در مبارزات روحانی از نقشه

پولس و رسولان دروغین

آیا گناه کردم که پیام انجیل را بدون دریافت هیچ کمک مالی به شما اعلام کردم آیا خطا بود که خود را حقیر کردم تا شما سرافراز شوید در عوض کلیساهای دیگر را غارت کردم و در تمام مدتی که نزد شما بودم از هدایای این کلیساها امرار معاش کردم تا بتوانم بدون گرفتن کمکی از شما به شما خدمت کنم و زمانی که این هدایا تمام شد و دیگر چیزی برای گذران زندگی نداشتم باز دست کمک به سوی شما دراز نکردم زیرا مسیحیان مقدونیه برایم هدیه آوردند تا به حال از شما دیناری نخواستم و هرگز هم نخواهم خواست.

آخرین هشدار

فرماید: اگر دو یا سه شاهدآیم کتاب آسمانی می‌این سومین باری است که به دیدار شما می شود و باید مجازات گرددکسی را در حال ارتکاب جرمی ببینند آن شخص مجرم شناخته می دهم آخرین باری که درپس این سومین دیدار من همچون سومین هشداری است که به شما می شدند اخطار کردم اکنون به آنان و نیز به سایرین بازآنجا بودم به آنانی که مرتکب گناه می کس از تنبیه نخواهدپوشی نخواهم کرد و هیچ‌دهم که این بار از خطای کسی چشم‌هشدار می رست.

نامه پولس به مسیحیان غلاطیه

سرزنش پطروس

گناه به حساب‌دانیم که انسان با اجرای احکام شریعت هرگز در نظر خدا پاک و بی‌به خوبی می
گناه محسوب خواهد شد بنابراین ما نیزنخواهد آمد بلکه فقط با ایمان به عیسی مسیح پاک و بی
به عیسی مسیح ایمان آوردیم تا از این راه مورد قبول خدا واقع شویم نه از راه انجام شریعت یهود
.کس هرگز با حفظ احکام شریعت نجات و رستگاری نخواهد یافت‌زیرا هیچ

معنی واقعی شریعت و احکام

توان نجات یافت چراکنید با اجرای احکام شریعت یهود می‌ای فرزندان من شما که فکر می خوانیم‌خواهید درک کنید معنی واقعی شریعت و مذهب یهود چیست زیرا درباره ابراهیم می‌نمی که او دو پسر داشت یکی از کنیز خود و دیگری از زن آزاد پسر کنیز به طور عادی متولد شد اما پسر زن آزاد بنابر وعده مخصوص خدا تولد یافت این رویداد تاریخی بیانگر دو روش است که دهد یکی از این دو روش اعطای احکام وها خدا انسان را مورد عنایت قرار می‌از طریق آن نامندشریعت است به موسی در کوه سینا باید توجه داشت که اعراب کوه سینا را کوه هاجر می در تشبیهی که آوردم کنیز ابراهیم یعنی هاجر را مظهر شهر اورشلیم قرار دادند این شهر همچون توان‌مادر یهودیان و کانون روشی است که طبق آنان فقط از طریق اجرای احکام شریعت می کوشند از این روش پیروی کنند همچون فرزندان این کنیزنجات یافت و یهودیان که می .باشند اما مادر ما و وطن ما اورشلیم آسمانی است که کنیز و بنده شریعت نیست‌می

از این رو است که اشعیای نبی از جانب خداوند فرمود: شاد باش ای زن نازا که هرگز ای‌نزاییده

ای‌فریاد شادی برآورد ای تو که هرگز درد زایمان را نچشیده

.زیرا من به تو فرزندانی خواهم بخشید که تعدادشان بیشتر از تعداد فرزندان کنیز خواهند بود

حفظ آزادی نجات

کنم هر که بخواهد با ختنه شدن خدا را خشنود سازد مجبور است بقیه احکام‌باز تکرار می شریعت را نیز یک به یک حفظ کند وگرنه محکوم به هلاکت ابدی است اگر بخواهید با حفظ ای نخواهد داشت و از فیض ودستورهای مذهبی مقبول خدا شوید مسیح برای شما هیچ فایده لطف الهی محروم خواهید ماند.

چنین شما را از راه راست منحرف کرد بدون شک‌کردید چه کسی این‌خوب پیشرفت می این امر از جانب خدا نیست چون او خودش شما را دعوت کرده تا به وسیله مسیح آزاد شوید این کار یک نفر خرابکار است که مانند بز گر به میان شما آمده و واضح است که یک بز گر کافی است که تمام گله را مبتلا سازد.

زندگی آزاد به وسیله روح خدا

کنید این گناهان وارد زندگی شماهای نادرست خود پیروی می‌هنگامی که از امیال و خواسته پرستی، جادوگری، احضار ارواح، دشمنی و دو به‌عفتی، بت‌شوند زنا، انحرافات جنسی، بی‌می جویی، در اشتباه‌توزی و خشم، خودخواهی و نفع طلبی، شکایت و انتقاد و بهانه‌هم زنی، کینه دانستن دیگران و برحق شمردن خود، حسادت و آدمکشی، مستی و عیاشی و چیزهایی از این چنین زندگی کند در ملکوت‌کنم هر که این‌طور که قبلاً هم اشاره کردم باز تکرار می‌قبیل همان .جایگاهی نخواهد داشت

نامه پولس به مسیحیان افسس

عمر دوباره در مسیح

روزگاری شما نیز به خاطر خطایا و گناهانتان زیر لعنت خدا قرار داشتید و محکوم به مرگ ابدی کردید ما نیز همگی مانندبودید شما هم مانند دیگران غرق در گناه بودید و شیطان را اطاعت می ها و افکار کثیف خوددهنده ذات ناپاک ما بود ما اسیر هوس‌آنان بودیم طرز زندگی ما نشان زدیم ما با همین طبیعت سرکش به دنیا آمدیم و درست مانندبودیم و دست به هرکار زشتی می اید و این کاردیگران زیر خشم و غضب خدا بودیم توسط ایمانتان به مسیح است که نجات یافته تواندکس نمی‌شما نیست بلکه هدیه خدا است نجات نتیجه اعمال خوب ما نیست از این رو هیچ به خود ببالد این خدا است که ما را از نو آفریده و این زندگی جدید را از فیض وجود عیسی .مسیح به ما داده است

روابط زن و شوهر

کنید از شوهرانتان‌به احترام مسیح مطیع یکدیگر باشید ای زنان همچنان که از مسیح اطاعت می طور که مسیح رئیس ونیز اطاعت کنید زیرا شوهر رئیس و سرپرست خانواده است همان دهنده کلیسا گردد پس‌سرپرست کلیسا است به همین علت بود که او جانش را فدا کرد تا نجات گونه که‌شما زنان نیز باید در هر امری با کمال میل از شوهر خود اطاعت کنید درست همان .کلیسا مطیع مسیح است

فرزندان و والدین غلامان و اربابان

ای فرزندان پدر و مادر خود را اطاعت کنید که این کار درستی است زیرا خداوند اختیار زندگی ها از اربابتان اطاعت کنید و ایشان را با علاقه به بهترین‌شما را به دست ایشان سپرده است ای غلام کنید طوری نباشد که فقط در حضور آنان‌نحو خدمت کنید با این تصور که به مسیح خدمت می وظایف خود را خوب انجام دهید و در غیابشان از کار شانه خالی کنید بلکه همیشه خوب کار .کنیدکنید با دلگرمی مانند اینکه برای مسیح کار می

طور که به ایشان نیز گفتم‌ها با غلامان و زیردستان خود درست رفتار کنید همان‌و شما ارباب با شما درست رفتار نمایند فراموش نکنید که شما هم غلام هستید غلام عیسی مسیح شما هر دو .کندیک ارباب دارید و او از کسی طرفداری نمی

نامه پولس به مسیحیان فیلیپی

از طرف پولس و تیموتائوس خدمتگزاران عیسی مسیح به کشیشان و خدمتگزاران کلیسا و تمام مسیحیان راستین در شهر فلیپی

گویم زیرا شما از همان روزیآورم خدا را برای وجودتان سپاس میهرگاه شما را به یاد می اید دوش بههای بسیاری در اشاعه و گسترش آن نموده‌که پیغام انجیل را شنیدید تا به حال کمک های‌تان این است که بدون توجه به مخالفت‌اید و هدف همگی‌دوش یکدیگر استوار ایستاده بخش انجیل را به همه اعلام کنید همین امر برای ایشان نشانه هلاکت است دردشمن پیغام نجات باشیم شما در گذشته شاهد زحمات من در راه‌این مجاهده و پیکار ما با یکدیگر شریک می .دانید هنوز هم درگیر همان زحمات و مبارزات هستم‌طور که می‌اید و همان‌مسیح بوده

داری‌نجات به وسیله مسیح نه از راه دین

گویند: برای نجات‌صفتانی هستند که می‌های خطرناک باشید منظورم آن شیطان‌مواظب سگ شویم بلکه با پرستش خدایافتن باید ختنه شد ما با قطع کردن قسمتی از بدن خود فرزند خدا نمی وسیله روح اوبه

ختنه واقعی همین است ما مسیحیان به آن و امید به آنچه در پیش است چشم دوزیم و بکوشند تا به خط پایان مسابقه برسم و جایزه را به چنگ آورم که برای آن خدا ما را به سوی ها در اثر فداکاری است که مسیح برای ما انجام داده است‌خواند و همه این‌آسمان فرا می.

هاسرمنزل آسمانی

برادران عزیز مرا سرمشق خود قرار دهید و به کسانی توجه نمایید که مطابق نمونه ما رفتار ها به ظاهرگویم: که خیلی‌کنان می‌ام و اکنون نیز گریه‌کنند زیرا قبلاً بارها به شما گفته‌می گونه افراد عاقبتشان هلاکت ابدی است‌اند این‌اند در واقع دشمنان صلیب مسیح‌گویند مسیحی‌می کنند که باید از آن خجالت بکشند تمام‌چون خدای ایشان شکمشان است و به چیزی فخر می .افکارشان متوجه امور دنیای فانی است

نامه پولس به مسیحیان کولسی

مسیح که بود و چه کرد

مسیح چهره دیدنی خدای نادیده است او فرزند خداست و بر تمامی موجودات برتری دارد در آسمان ها و بر زمین استواقع تمام هستی به وسیله عیسی مسیح به وجود آمد یعنی هرآنچه در آسمان.

رفتار تازه

ای زنان از شوهران خود اطاعت کنید زیرا این خواست خداوند است ای شوهران همسران خود را محبت نمایید و با ایشان تندی و تلخی نکنید ای فرزندان مطیع پدر و مادر خود باشید زیرا این قدر سرزنش نکنید که دلسرد و شکسته‌سازد و شما پدران فرزندانتان را آن‌خداوند را خشنود می شوند ای خدمتکارها در هر امری مطیع اربابان خود در دنیا باشید نه تنها در حضور ایشان به وظایف خود عمل کنید بلکه به سبب محبت و احترامتان به مسیح همیشه از صمیم قلب خدمت کنید نه برای‌نمایید هرکاری را از جان و دل انجام دهید درست مانند اینکه برای مسیح کار می اربابتان فراموش نکنید که شما پاداشتان را از مسیح خداوند دریافت خواهید کرد یعنی همان میراثی را که برای شما نگاه داشته است زیرا شما در واقع بنده مسیح هستید پس اگر مسیح را اش‌خوب خدمت نکنید خدا نیز پاداش خوبی به شما نخواهد داد چون کسی که در انجام وظیفه .کوتاهی کند خدا به او رحم نخواهد نمود

ها نیز باید با عدل و انصاف با خدمتکاران خود رفتار کنید فراموش نکنید که خودشما ارباب .شما نیز در آسمان ارباب دارید که همیشه ناظر بر رفتار شماست

نامه اول پولس به مسیحیان تسالونیکی

شهرت ایمان تسالونیکیان

کنند که با چه اشتیاقی منتظر بازگشتفقط بنده خدای زنده و حقیقی هستید در ضمن بازگو می باشید که خدا او را پس از مرگ زنده کرد او تنها کسی استفرزند خدا یعنی عیسی مسیح می .که ما را از غضب خدا نجات خواهد داد از غضبی که خدا بر گناه وارد خواهد ساخت

خدمت پولس در تسالونیکی

دهند آنان هم‌رحمانه ما را آزار می‌ایشان انبیا پیشین و حتی عیسی خداوند را کشتند اکنون نیز بی کوشند ما را از رساندن پیغام خدا به غیر یهودیان منع کنندانند هم با انسان و می‌با خدا مخالف ترترسند ایشان نیز به نجات دست یابند به این ترتیب گناهان این قوم روز به روز سنگین‌زیرا می .شود و سرانجام غضب خدا بر ایشان فرود خواهد آمدمی

آمادگی برای بازگشت خداوند

شاید بپرسید که مسیح در چه زمانی بازخواهد گشت برادران عزیز لازم نیست در این باره چیزی داند روز خداوندکس زمان بازگشت او را نمی‌دانید که هیچ‌بنویسم زیرا شما به خوبی می جا امنم و امان است‌گویند: همه‌رسد همان وقت که مردم می‌خبر سر می‌همچون دزد شب بی آید آنگاه راه‌طور که درد به سراغ زن آبستن می‌گیرشان خواهد شد همان‌ناگهان مصیبت دامن فراری برای آنان وجود نخواهد داشت.

از یاد نبریم که خدا ما را برنگزیده تا زیر غضب خود قرار دهد بلکه ما را انتخاب نموده تا به وسیله خداوند ما عیسی مسیح نجات دهد او جان خود را فدا کرد تا ما بتوانیم تا ابد با او زندگی کنیم خواه به هنگام بازگشت او زنده باشیم خواه نباشیم

نامه دوم پولس به مسیحیان تسالونیکی

هاپایان زحمات و رنج

برادران عزیز موظفیم همواره خدا را برای وجود شما شکر نماییم بلی شایسته است که چنین نهایت‌گیر رشد کرده و محبت شما نسبت به یکدیگر بی‌ای چشم‌کنیم زیرا ایمان شما به گونه کنیم و برای ایشان بیان‌رویم به وجود شما افتخار می‌عمیق شده است به هر کلیسایی که می ها شکیبایی و ایمان کامل‌فرسا و آزار و اذیت‌نماییم که چگونه شما با وجود مشکلات طاقت‌می های خدا منصفانه و عادلانه‌دهند که راه‌اید این آزارها و ناملایمات نشان می‌به خدا را حفظ کرده کندها از یک طرف شما را برای ملکوت خود آماده می‌است زیرا او به وسیله این زحمات و رنج .سازددهند مهیا می‌و از طرف دیگر تنبیه و مجازات را برای آنانی که شما را زجر می

دارم که وقتی عیسی خداوند به ناگاه در میان‌بینید اعلام می‌بنابراین به شما که رنج و آزار می های آتش و با فرشتگان نیرومند خود از آسمان ظاهر شود خدا به ما و شما آسودگی خواهدشعله بخشید اما آنانی را که از شناختن خدا و پذیرش خدا و پذیرش نقشه نجات او توسط عیسی مسیح زنند به کیفر خواهند رسید ایشان به مجازات جاودانی خواهند رسید و تا ابد از حضورسرباز می .خداوند دور خواهند ماند و هرگز شکوه و عظمت قدرت او را نخواهند فهمید

نامه اول پولس به تیموتائوس

مبارزه با تعالیم غلط

اند یعنی زناکاران،کاران‌بلی این احکام داده شده تا نشان دهد که مرتکبین این اعمال جز گناه گویان و تمام کسانی که مرتکب اعمالی بر خلاف تعلیم صحیح‌دزدان، دروغ‌بازان، آدم‌جنس‌هم گردند تعلیمی که مطابق انجیل پرجلال خدای متبارک است و من نیز برای اعلام آن تعیین‌می ام‌شده.

دستورات در خصوص دعا و عبادت

دهم برای همه مردم دعا کن از خدا درخواست کن که‌چند نکته مهم را نیز مورد تأکید قرار می بر آنان رحم کند و به سبب آنچه که برای ایشان انجام خواهد داد او را شکر کن.

زنان نیز باید در طرز پوشاک و آرایش خود با وقار باشند زنان مسیحی باید برای نیکوکاری و اخلاق خوب خود مورد توجه قرار گیرند نه برای آرایش مو و یا آراستن خود به زیورآلات و های پر زرق و برق‌لباس.

دهندزنان باید در سکوت و با اطاعت کامل به فراگیری مسائل روحانی بپردازند اجازه نمی زنان به مردان چیزی یاد دهند و یا بر آنان مسلط شوند زنان باید در جلسات کلیسایی ساکت باشند علت این امر آن است که خدا نخست آدم را آفرید و بعد حوا را و این آدم نبود که فریب شیطان را خورد بلکه حوا فریب خورد و گناه کرد.

از این جهت خدا زنان را به درد زایمان دچار ساخت اما اگر به او ایمان آورند و زندگی آرام و با محبت و پاکی را در پیش گیرند روح ایشان را نجات خواهد داد.

کشیشیان و شماسان

این گفته صحیح است که اگر کسی مشتاق است کشیش شود در آرزوی کار خوبی است اما کشیش باید شخص درست و نیکی باشد تا کسی نتواند عیبی در او بیابد او باید شوهر وفادار یک دار بوده عاقلانه فکر کندزن باشد خویشتن.

کشیش نباید تازه ایمان باشد زیرا ممکن است از اینکه این قدر زود به این مقام گمارده شده طور که شیطان نیز از همین‌دچار غرور گردد غرور نیز نخستین گام به سوی سقوط است همان دار و مردم قابل اعتماد باشدراه سقوط کرد کشیش در خارج کلیسا در میان مردم خویشتن.

شماس باید فقط یک زن داشته باشد و نسبت به او وفادار بوده و سرپرست خوبی برای خانواده باشد.

زنان در کلیسارفتار با بیوه

تر را جز این گروه نپذیر چون بعد از مدتی ممکن است امیال و غرایض بر ایشان‌های جوان‌بیوه چیره شود و خواهان ازدواج مجدد گردند به این ترتیب به سبب شکستن پیمان اولشان با مسیح .گیرندمورد محکومیت قرار می

رفتار با کشیشان

کنند باید هم حقوق خوبی دریافت کنند و هم موردکشیشانی که امور کلیسا را خوب اداره می کشند زیراتشویق قرارگیرند به خصوص آنانی که در کار موعظه و تعلیم کلام خدا زحمت می فرمایدکتاب آسمانی می:

کوبد نبند و بگذار به هنگام کار از خرمنت بخورد در جای‌دهان گاوی را که خرمن می فرمایددیگر نیز می:

کند باید حقش را بگیردکسی که کار می

ات کمی شراب بنوشی زیرا اغلب‌خوب است که به جز آب گاهی نیز برای ناراحتی معده شوی‌بیمار می

آلودی دارند و همه از آن مطلع هستندبرخی از مردم و حتی برخی از کشیشان زندگی گناه در این مورد باید اقدام شدیدی به عمل آورید.

رفتار غلام مسیحی

آن دسته از مسیحیانی که غلام هستند باید برای ارباب خود خوب کار کنند و به او احترام بگذارند تا نگویند که مسیحیان کارکنان خوبی نیستند نگذارید از این راه نام خدا و تعالیم مسیحی مورد اهانت قرار گیرد اگر ارباب هم مسیحی باشد نباید از او سوءاستفاده نمایند و از زیر کنندکار شانه خالی کنند بلکه برعکس باید بهتر کار کنند چون به یک برادر مسیحی خدمت می داران تعلیم ده و ایشان را تشویق نما تا آن را اجرا نماینداین نکات را به ایمان.

نامه پولس به تیطوس

های مختلفوظایف گروه

غلامان و خدمتکاران را نصیحت کن که از دستورهای ارباب خود اطاعت کنند و بکوشند تا در های ارباب خود نیز جواب پس‌هر امری رضایت خاطر ایشان را فراهم سازند در مقابل گفته ها تشویق کن هرگاه لازم دیدی با قدرت وندهید این حقایق را تعلیم ده و مؤمنین را به انجام آن اهمیت گمارداختیار کامل ایشان را توبیخ و اصلاح نما اجازه نده کسی سخنان تو را بی.

(نژاد (عبرانیان‌ای به مسیحیان یهودی‌نامه

برتری مسیح بر فرشتگان

آمد فرمود: همه فرشتگان خدا اوهمچنین در جای دیگر هنگامی که فرزند ارشد او به جهان می فرمایدرا پرستش نمایند خدا درباره فرشتگان می:

.کنندهای آتش با شور و حرارت خدمت می‌برند و چون شعله‌همچون باد به سرعت پیغام می

خدا به فرزندش فرمود: در کنار من نشین تا دشمنانت را زیر پاهایت بیفکنم اما خطاب به هیچ هایی خدمت گذار هستند و برای کمک و مراقبت‌ها فقط روح‌ای چنین نگفت زیرا فرشته‌فرشته .اند نجات الهی را دریافت کنندشوند که مایل‌از کسانی فرستاده می

ایمانیهشدار در مقابل بی

دهد که امروز به او گوش فرا دهیم و باالقدس به ما هشدار میبه دلیل همین برتری مسیح روح اسرائیل نسبت به او سخت شودهایمان مانند قوم بنیدقت صدای او را بشنویم و نگذاریم دل کرد ایشان به محبت او پشت پا زدند و از اوزمانی که خدا قوم اسرائیل را در بیابان امتحان می شکایت کردند اما خدا چهل سال تحمل نمود با اینکه بارها کاسه صبر او را لبریز کردند باز خدا فرماید: من نسبت به ایشانآور به عمل آورد اما خدا میدر برابر چشمان ایشان معجزات حیرت خواستمگاه مایل نبودند به راهی که من میخشمگین شدم زیرا ایشان همواره گمراه هستند و هیچ بروند بنابراین خدا به هنگام خشم خود قسم خورد که دیگر هرگز اجازه ندهد که ایشان وارد دانید آنانی که صدای خدا را شنیدند و بهسرزمین موعود گردند و در آنجا آرامش یابند آیا می اعتنایی کردند چه کسانی بودند آنان همان کسانی بودند که به رهبری موسی از مصرآن بی آوردند هماندانید چه کسی برای مدت چهل سال خدا را به خشم میبیرون آمدند آیا می اشخاصی که گناه کردند و در نتیجه در بیابان از بین رفتند و خدا درباره چه کسانی قسم خورد و گفت: که هرگز نخواهند توانست وارد سرزمین موعود شوند درباره همان اشخاصی که از او ایمانسرپیچی کرده بودند و چرا نتوانستند وارد سرزمین موعود گردند زیرا نسبت به خدا بی .بودند و به او وفادار نماندند

عیسی مسیح کاهن اعظم ما

های دیگر و انتخاب شده تا به‌در دین یهود کاهن اعظم انسانی است عادی همچون انسان نمایندگی از سوی همه مردم به درگاه خدا برود او وظیفه دارد هدایای مردم را به حضور خدا ببرد و خون حیواناتی که قربانی کرده است به او تقدیم کند تا گناهان خود و مردم را کفاره برد با اشک و آه اندوه عمیق به درگاه خدانماید با این حال مسیح وقتی در این دنیا به سر می کرد تا او را از قدرت مرگ نجات بخشد خدا نیز دعای او را به سبب اطاعت کاملش‌التماس می کشید تا به‌بایست عملاً درد و عذاب می‌مستجاب فرمود با اینکه عیسی فرزند خدا بود اما می تجربه معنی اطاعت را بیاموزد پس از گذراندن این تجربه بود که نشان داد که به حد کمال نمایند به همین جهت خداتواند نجات ابدی را نصیب آنانی سازد که از او اطاعت می‌رسیده و می پایه ملک صادق‌او را معین فرمود تا کاهن اعظم باشد کاهنی هم

هشدار در مورد رد کردن خدا

بار باچگونه ممکن است کسی که از ایمان برگشته بتواند بار دیگر توبه کند کسی که یک شنیدن پیغام انجیل نور الهی در وجودش درخشیده و طعم امور عالی آسمانی را چشیده و در چنین درک نمود که کلام خدا چقدر عالی است و نیروهای‌القدس نصیبی یافته است و هم‌روح گردان شود محال‌عالم آینده را نیز احساس کرده است اگر با وجود تمام این برکات از خدا روی است بتوان او را بار دیگر با خدا آشتی داد او در واقع فرزند خدا را رد کرده و مانند این است که او را مسخره و رسوا نموده و حتی بر صلیب بار دیگر میخکوب کرده است در این صورت غیر ممکن است بتواند بار دیگر خود را برای توبه آماده سازد.

پرستشگاه پیمان اول

گیرند و کاهنان نیز برای انجام وظایف خود هر روزبهر حال این وسایل به این ترتیب قرار می تواند وارد شود آن‌شوند اما به قسمت دوم فقط کاهن اعظم می‌وارد قسمت اول پرستشگاه می برد و بر تخت رحمت‌بار او همراه خود مقداری خون قربانی به داخل می‌هم فقط سالی یک .پاشد تا گناهان خود و گناهان قوم اسرائیل را کفاره کندمی

کننده قطعی گناه‌خون مسیح پاک

ای نارساست از برکاتی که بنا بود مسیح برای ما به‌شریعت و تشریفات مذهبی یهود فقط نمونه شود اما این قربانی به هیچ وجه قادرارمغان بیاورد مطابق این شریعت هر ساله حیوانی قربانی می نیست آنانی را که پایبند احکام شریعت هستند رستگار کند.

آمد گفت: ای خدا خون گاو و بزبه همین جهت بود که وقتی مسیح به این جهان می تواند تو را خشنود سازد تا گناه انسان را ببخشایی پس این بدن را برای من مهیا ساختی تانمی همچون قربانی بر قربانگاه تو فدا کنم از قربانی کردن حیوانات راضی نبودی یعنی آن حیواناتی سوزاندندکردند و می‌که برای کفاره گناه در حضورت ذبح می.

ام تا مطابق پیشگویی کتاب آسمانی‌ام تا اراده تو را به جا آورم آمده‌پس گفتم: اینک آمده جان خود را فدا سازم.

هایی تقدیم‌ایستند و قربانی‌مطابق شریعت و روش سابق کاهنان هر روز در مقابل قربانگاه می بار به عنوان‌توانند گناهان را برطرف نمایند اما مسیح خود را فقط یک‌کنند که هرگز نمی‌می قربانی به خدا تقدیم کرد تا گناهان را بیامرزد و پس از آن در بالاترین مقام عزت و افتخار به دست راست خدا نشست و منتظر است تا دشمنانش به زیر پاهای او افکنده شوند.

نوح

نوح یکی دیگر از کسانی است که به خدا ایمان داشت وقتی خدا به او فرمود: که سرنوشت ای ازایمان است او سخن خدا را باور کرد با اینکه هنوز هیچ نشانه‌هولناکی در انتظار مردم بی طوفان نبود اما او بدون فوت وقت یک کشتی ساخت و خانواده خود را نجات داد ایمان نوح در ایمانی مردم قرار داشت مردمی که حاضر نبودند خدا را اطاعت کنند در اثرنقطه مقابل گناه و بی .همین ایمان بود که نوح مقبول خدا گردید

ابراهیم

زمانی که خدا ابراهیم را در بوته آزمایش قرار داد از او خواست تا پسرش اسحاق را قربانی کند هایی از خدا دریافت‌او حاضر شد دستور خدا را اطاعت نماید با اینکه او درباره اسحاق وعده کرده بود اما آماده شد تا او را قربانی کند بلی همان اسحاق را که خدا وعده داده بود از طریق او نسلی برای ابراهیم به وجود بیاورد زیرا ابراهیم ایمان داشت که حتی اگر اسحاق بمیرد خدا قادر طور نیز شد زیرا اسحاق از دیدگاه ابراهیم محکوم به مرگ‌است او را زنده سازد در واقع همین بود اما عمر دوباره یافت

موسی

به خاطر ایمان به خدا بود که او بدون ترس از غضب پادشاه مصر را ترک گفت و استوار به پیش رفت همچون کسی که خدای نادیده را در مقابل دیدگان خود دارد او چون ایمان داشت که ای‌خدا قوم خود را نجات خواهد داد به دستور خدا به قوم اسرائیل امر کرد که هر خانواده بره ذبح کند و خون آن را بر سر در خانه خود بپاشد تا فرشته مرگ که پسران ارشد مصریان را ای نرساند قوم اسرائیل نیز به خدا ایمان آوردند و به‌کشت به پسر ارشد آن خانه صدمه‌می شدند اما وقتی مصریان به‌سلامت از میان دریای سرخ عبور کردند گویی از زمین خشک رد می .دنبالشان آمدند و قصد عبور نمودند همگی غرق شدند

راحاب

ها پس از آنکه قوم اسرائیل به دستور خدا هفت روز آنجادر عصر ایمان بود که حصار شهر اری
ها کشته نشد زیرا به خدارا دور زدند فرو ریخت اما در آن میان راحاب فاحشه همراه اهالی اری
و قدرت او ایمان داشت و از فرستادگان قوم خدا به گرمی پذیرایی کرد اما دیگران حاضر نشدند
خدا را اطاعت کنند.

دعوت به صبر و پایداری

گوید کلام خدااید که کلام خدا برای تشویق شما فرزندان خدا چه می‌گویا به کلی از یاد برده فرمایدمی:

پسرم هرگاه خداوند تو را تنبیه کند دلگیر نشو و هرگاه اشتباهاتت را خاطر نشان سازد دلسرد نماید به‌کند به این علت است که دوستت دارد و اگر تو را تنبیه می‌نشو زیرا اگر تو را تأدیب می این دلیل است که فرزند او هستی.

توجهی به امور الهیهشدار در مورد بی

بلی دقت کنید زیرا شما با مسائلی سر و کار دارید که بسیار بالاتر از مسائلی است که قوم اسرائیل کردبا آن مواجه بودند هنگامی که خداوند در کوه سینا احکام خود را به قوم اسرائیل عطا می های آتش تاریکی و ظلمت کامل طوفان هولناك و صدای سهمگین شیپور مواجهایشان با شعله انگیز بود که از خداگفت حاوی پیامی چنان هراس‌شدند صدایی نیز که با ایشان سخن می :التماس کردند که دیگر چیزی نگوید زیرا قادر نبودند این دستور را تحمل کنند که فرموده بود

اگر حیوانی به کوه نزدیک شود باید سنگسار گردد موسی نیز چنان از آن منظره ترسیده بود .لرزیدکه می

چند اندرز مفید

تان را از آلودگی دوراید وفادار باشید پیمان زناشویی‌به ازدواج خود و به عهد و پیمانی که بسته .نگه دارید زیرا خدا افراد فاسد و زناکار را حتماً مجازات خواهد کرد

ترین‌طبق شریعت یهود کاهن اعظم خون حیوانات قربانی را برای کفاره گناهان به مقدس شود به همین ترتیب مسیح نیز برای‌برد و بعد لاشه حیوانات بیرون شهر سوزانده می‌جایگاه می .آنکه گناهان ما را بشوید بیرون از شهر عذاب کشید و مرد

نامه یعقوب

هاشادی در سختی

آورند بسیار شادبرادران عزیز وقتی مشکلات و آزمایشات سخت از هر سو به شما هجوم می شود پس بگذارید صبرتان‌هاست که صبر و تحملتان بیشتر می‌باشید زیرا در آزمایش و سختی فزونی یابد و نکوشید از زیر بار مشکلات شانه خالی کنید زیرا وقتی صبرتان به حد کمال رسید افراد کامل و بالغ خواهید شد و به هیچ چیز نیاز نخواهید داشت.

دوری از تبعیض

برادران عزیز به من گوش دهید خدا مردم فقیر را برگزیده تا در ایمان ثروتمند باشند و از برکات ملکوت خدا برخوردار گردند ملکوتی که خدا به دوستداران خود وعده داده است با این حال شما کسی که همه احکام خدا را مو به مو اجرا کند ولی در یک امر کوچک مرتکب اشتباه شود به اندازه کسی مقصر است که همه احکام خدا را زیر پا گذاشته است زیرا همان خدایی که گفت زنا نکنید این را نیز گفت که قتل نکنید پس اگر زنا نکنید اما مرتکب قتل شوید به هرحال .اید و در مقابل او مقصر هستیداز حکم خدا سرپیچی کرده

خطرات زبان

انسان توانسته است هرگونه حیوان وحشی پرنده خزنده و جاندار دریایی را رام کند و بعد از این تواند زبان را رام کند زبان همچون مار سمی همیشه آماده‌نیز رام خواهد کرد اما هیچ انسانی نمی است تا زهر کشنده خود را بیرون بریزد.

داروی از آن خداست

کنیدبرادران عزیز از هم خرده نگیرید و غیبت نکنید چون به این ترتیب از حکم خدا اطاعت می فرمایدحکمی که می:

دهید که این حکم اشتباه است امایکدیگر را دوست بدارید اما اگر چنین نکنید نشان می وظیفه شما قضاوت درباره احکام خدا نیست بلکه اطاعت از آن است فقط آن کسی که این تواند ما رااحکام را وضع کرد قادر است به درستی در میان ما داوری کند تنها اوست که می نجات دهد یا هلاک گرداند.

شودداند فردا چه می‌انسان نمی

پس باید بگویید اگر خدا بخواهد زنده خواهیم ماند و چنین و چنان خواهیم کرد در غیر این بالید و چنین شخصی‌های خود می‌ها و برنامه‌صورت شما مغرور و خودپسند هستید و به نقشه تواند خدا را خشنود بسازد پس این را از یاد نبرید اگر بدانید چه کاری درست است وهرگز نمی .ایدانجام ندهید گناه کرده

عاقبت کار ثروتمندان ظالم

و اینک شما ای ثروتمندان توجه کنید گریه و زاری نمایید زیرا بلاهای وحشتناکی در انتظار بهایتان را نیز بید خورده است شما در این‌های گران‌اکنون ثروتتان تباه شده لباس‌شماست از هم اندوزید غافل از اینکه با این کار برای خود در روز قیامت مجازات‌دنیا زودگذر طلا و نقره می تان را زنگ خورده است آتش نیز بدن شما را خواهدگونه که طلا نقره‌کنید زیرا همان‌ذخیره می اند گوش فرا دهید کارگرانی که‌خورد گوش فرا دهید به ناله کارگرانی که برای شما کار کرده های ایشان تا به آسمان بالا رفته و به گوش خدا متعال‌اید ناله‌اید و مزدشان را نداده‌فریبشان داده .رسیده است

نامه اول پطروس

آزمایش ایمان

پس حال که چنین ارثی در پیش دارید واقعاً شاد باشید حتی اگر لازم باشد در این دنیا برای ها به منظور آزمایش ایمان شما پیش‌ها و زحماتی را متحمل گردید این سختی‌مدتی سختی سازد ایمان شما پس از آنکه واردآزماید و پاک می‌طور که آتش نیز طلا را می‌آید همان‌می کوره آزمایش گردید و سالم بیرون آمد سبب خواهد شد که در روز بازگشت عیسی مسیح .مورد تحسین و تمجید و تکریم قرار گیرید

های زنده در دست خداسنگ

های زنده در دست خدا درسوی او بیایید تا شما نیز مانند سنگ‌خدا عزیز و مکرم است پس به تر اینکه شما در این عبادتگاه کاهن مقدس‌بنای آن عمارت و عبادتگاه روحانی به کار برید مهم های مقبول و مورد پسند را توسط عیسی مسیح تقدیم کنیدباشید پس قربانی‌نیز می.

ایمانان همان سنگی است‌بهاست اما برای بی‌این سنگ برای شما که ایمان دارید بسیار گران اش گفته شده سنگی که معماران دور افکندند سنگ اصلی ساختمان گردید همچنین‌که درباره در کتاب آسمانی آمده است:

افتند و تخته سنگی است که بعضی از آن‌خورد و می‌او سنگی است که پای بعضی به آن می کنندکنند حقشان است که بیفتند و سقوط کنند زیرا از کلام خدا اطاعت نمی‌سقوط می.

کلامی چند به زن و شوهر مسیحی

و اما شما ای زنان مطیع شوهران خود باشید تا چنانچه بعضی از ایشان نیز به انجیل ایمان نیاورده باشند با دیدن رفتار شما ایمان بیاورند زیرا رفتار خوب و توأم با احترام یک زن بهتر از سخنان او درباره مسیح در دل شوهر اثر می گذارد.

کلامی به کشیشان کلیسا و جوانان

و شما ای جوانان مطیع افراد سالخورده باشید به همین ترتیب همگی شما با روحی فروتن دهد امایکدیگر را خدمت نمایید زیرا خداوند فروتنان را مورد عنایت خاص خود قرار می مخالف متکبران و مغروران است پس اگر خود را زیر دست نیرومند خدا فروتن سازید او در زمان مناسب شما را سرافراز خواهد نمود.

نامه دوم پطروس

معلمین دروغین و عاقبت کار آنان

طور که در میان شما نیز معلمین دروغین پیدااما در آن روزگاران انبیای دروغین نیز بودند همان هایی درباره خدا بیان خواهند کرد و حتی با سرور خود مسیح راخواهند شد که با نیرنگ دروغ که ایشان را با خون خود خریده است سر به مخالفت بر خواهند داشت اما ناگهان سرنوشتی هولناک دچار خواهند شد این معلم نماها از روی طمع با هرگونه سخنان نادرست خواهند ها پیش ایشان را محکوم فرموده پس‌کوشید پول شما را به چنگ بیاورند اما خدا از مدت شان نزدیک استنابودی.

روز خداوند

بار خدا جهان را با طوفانی عظیم‌خواهند این حقیقت را به یاد آورند که یک‌ایشان عمداً نمی ها و زمین را آفرید و از آب برای‌ها بعد از آنکه به فرمان خود آسمان‌نابود ساخت آن هم مدت شکل دادن و احاطه زمین استفاده کرد اکنون نیز به فرمان خدا آسمان و زمین باقی هستند تا در روز داوری با آتش نابود شوند یعنی در همان روزی که بدکاران مجازات و هلاک خواهند شد کندبه هر حال بدانید که روز خداوند حتماً خواهد آمد آن هم مثل دزدی که همه را غافلگیر می ها با صدایی هولناک از بین خواهند رفت و اجرام آسمانی در آتش نابود شده‌در آن روز آسمان .و زمین و هر آنچه در آن است خواهد سوخت

نامه اول یوحنا

زندگی در نور و محبت

نویسم تا گناه نکنید اما اگر گناهی از شما سرزند کسی هست‌ها را به شما می‌فرزندان عزیزم این که برای ما نزد خدای پدر وساطت کند و بخشایش ما را از او درخواست نماید این شخص عیسی مسیح است که مظهر راستی و عدالت است او کسی است که تاوان گناهان ما را داده تا ای دوستانه کمیان خدا و ما به وجود آورده است او نه‌خدا ما را هلاک نسازد او با این کار رابطه .فقط برای گناهان ما بلکه برای گناهان مردم تمام جهان فنا شد

هشدار درباره دجال

فرزندان عزیزم پایان دنیا نزدیک شده است شما حتماً درباره ظهور دجال که دشمن مسیح است شنیده‌اید. حتی الآن نیز مخالفین مسیح همه جا دیده می‌شوند.

دروغ‌گو کیست؟ کسی که بگوید عیسی همان مسیح نیست. این همان دجال است. او نه به خدای پدر ایمان دارد و نه به فرزند خدا. کسی که به عیسی مسیح فرزند خدا ایمان نداشته باشد امکان ندارد بتواند خدای پدر را بشناسد اما کسی که به فرزند خدا ایمان دارد خدای پدر را نیز می‌شناسد.

فرزندان من بکوشید تا با مسیح رابطه‌ای صمیمی داشته باشید تا به هنگام بازگشت او بتوانید با اطمینان از او استقبال کنیم نه با ترس و خجالت.

نامه دوم یوحنا

اگر کسی برای تعلیم دادن کلام خدا نزد شما آمد اما به تعالیم مسیح ایمان نداشت او را به خانه خود راه ندهید و حتی به او سلام نکنید زیرا اگر با این فاسدان معاشرت کنید مانند آنان خواهید شد.

نامه سوم یوحنا

کننددهی زیرا از خادمین او که از آنجا عبور می‌برادر عزیز تو خدمت مفیدی برای خدا انجام می
ها کردند زیرا ایشان برای‌کنی ایشان در کلیسای ما از رفتار پرمحبت تو تعریف‌پذیرایی می
اندکنند و پیغام انجیل را به کسانی که هنوز به مسیح ایمان نیاورده‌خدمت به خداوند سفر می
نمایند بدون آنکه کمکی از آنان دریافت دارند پس بر ما مسیحیان واجب است که به‌اعلام می
.چنین افرادی کمک کنیم تا ما نیز به خدمت کردن خدا با ایشان شریک باشیم

نامه یهود

دینان‌گناه و هلاکت بی

ای عزیزان در نظر داشتم درباره نجاتی که خداوند به ما عطا فرموده مطالبی برایتان بنویسم اما بینم مطلب دیگری به جای آن بنویسم تا شما را ترغیب نمایم از آن حقیقتی که‌اکنون لازم می ای خدانشناس بابار برای همیشه به مقدسین خود عطا کرد با جدیت تمام دفاع کنید عده‌خدا یک توانیم هر چه دلمان‌دهند که ما پس از مسیحی شدن می‌نیرنگ وارد کلیسا شدند و تعلیم می خواهد انجام دهیم بدون آنکه از مجازات الهی بترسیم عاقبت هولناک این معلمین دروغین ومی ها پیش معین شده است زیرا با سرور و خداوند یگانه ما عیسی مسیح سر به دشمنی‌گمراه از مدت گذارند ننگ و رسوایی است درست مانند کف‌اند تنها چیزی که از خود بر جای می‌گذاشته ماندهای خروشان بر ساحل باقی می‌ناپاک دریا که از موج.

مکاشفه، رویدادهای آخرالزمان

.دارد رویدادهایی که به زودی رخ خواهد داداین کتاب از رویدادهای آینده پرده برمی

خدا به مسیح اجازه داد تا این وقایع را در یک رؤیا بر خادم خود یوحنا آشکار سازد آنگاه ای آمد و معنی آن را برای او بازگو کرد یوحنا نیز تمام سخنان عیسی و خدا و هر آنچه کهفرشته .خود دید و شنید به نگارش در آورد

شودمسیح بر یوحنا آشکار می

گفت ببینم در پشت خود هفت شمعدان طلاهنگامی که برگشتم تا کسی را که با من سخن می ها انسانی دیدم شبیه عیسی مسیح که ردایی بلند بر تن داشت و کمربنددیدم در میان شمعدان درخشید مانند مسی که در آتش صیقل داده باشد صدای اواش بود پاهای او می‌طلایی دور سینه مثل آبشار طنین افکن بود در دست راست او هفت ستاره بود و شمشیر دو دم تیزی در دهانش قرار داشت وقتی چشمم به او افتاد مانند مرده جلوی پای او افتادم اما او دست راست خود را بر ام ومن گذاشت و فرمود: نترس من ابتدا و انتها هستم من زنده بودم و مردم و حال تا به ابد زنده کلیدهای مرگ و عالم مردگان را در دست دارم آنچه را که دیدی و آنچه را که نشان خواهم داد همه را بنویس معنی هفت پیغام را برای تو دارد از اعمال نیک و زحمات و صبر تو آگاهم کنی تو به خاطر من رنج وپوشی نمی‌دانم که از هیچ گناهی در میان اعضای خود چشم‌می بینم تو مرا مثل اول دوست‌ای با این حال ایرادی در تو می‌ای و مقاومت کرده‌زحمت کشیده ای و توبه کن و به جایی که اول بودی برگرد و گرنه‌نداری پس به یاد آور از کجا سقوط کرده خواهم آمد و شمعدان تو را از میان کلیساها برخواهم داشت اما نکته خوبی در تو هست تو نیز ها متنفر هستی‌مانند من از رفتار نقولاوی.

پیام مسیح به کلیسایی که نسبت به تعالیم غلط واکنش دهدنشان نمی

دانم که درداند شمشیر دو دم تیز خود را چگونه به کار برد می‌این پیغام کسی است که می پرستند با این حال به من‌بری که مقر حکومت شیطان است و مردم شیطان را می‌شهری به سر می ای حتی زمانی که انتیپاس شاهد وفادار من به دست هواداران شیطان شهید شد تووفادار مانده نسبت به من امین ماندی پس توبه کن و راه و روش خود را تغییر بده وگرنه ناگهان خواهم آمد و .با شمشیر دهانم با آنان خواهم جنگید

پیام مسیح به کلیسایی که نسبت به گناه واکنش نشان دهدنمی

بینم تو به آن زن یعنی‌نمایی با اینکه ایراد بزرگ در تو می‌در تمام این امور بیش از پیش ترقی می دهد تا تعالیم غلط بدهد و باعث شود که‌کند نبیه است اجازه می‌ایزابل که ادعا می هایی را بخورندگزاران من از راه راست منحرف شوند و به زناکاری کشیده شده خوراک‌خدمت اندها قربانی شده‌که برای بت.

من به او فرصت دادم تا توبه کرده راهش را تغییر دهد اما نخواست پس اکنون به آنچه گویم توجه کن من او را با تمام مریدان فاسدش در بستر بیماری خواهم انداخت و به مصیبتی‌می اند دست‌سخت دچار خواهم ساخت مگر اینکه به سوی من بازگردند و از گناهانی که با او کرده بکشند فرزندانش را نیز از بین خواهم برد آنگاه همه کلیساها خواهند دانست که من اعماق قلب کنم و از افکار همه آگاهم من به هرکس مطابق اعمالش پاداش و بهاها را جستجو می‌انسان خواهم بخشید.

روح‌پیام مسیح به کلیسای بی

این پیغام را برای رهبر کلیسای سارد بنویس

دانم که ظاهراًاین پیغام از سوی کسی است که روح هفتگانه خدا و هفت ستاره را دارد می ای پس بیدار شو و به خود بیا و نگذار آنچه‌کلیسایی فعال و زنده هستی اما در حقیقت مرده باقیمانده از بین برود چون آن هم در شرف نابودی است رفتارت در نظر خدا پر از عیب و نقص است به سوی آن پیغامی که ابتدا شنیدی و به آن ایمان آوردی بازگرد و به آن پایبند باش نزد من بازگرد وگرنه مانند دزد خواهم آمد و تو غافلگیر خواهی شد.

پیام مسیح به کلیسای خودپسند

سازد و منشأ تماماین پیغام کسی است که همواره حقیقت را با امانت و راستی تمام آشکار می دانم که نه سرد هستی و نه گرم کاش یکی از این‌شناسم می‌خلقت خداست من تو را خوب می دو بودی اما چون تو نه سرد هستی و نه گرم تو را از دهان خود قی کرده بیرون خواهم ریخت تو خواهی بدون کم و کاست در اختیار داری اما غافلی ازکنی ثروتمند هستی و هرچه می‌گمان می .اینکه بدبخت و بیچاره و بینوا و کور و عریان هستی

طومار وقایع آینده

کسی که بر تخت نشسته بود طوماری دیدم که بر هر دو طرف آن‌پس از آن در دست راست آن نوشته شده بود و با هفت مهر آن را مهر و موم کرده بودند آنگاه فرشته نیرومندی را دیدم که با پرسید: چه کسی لیاقت دارد که این مهرها را بگشاید و طومار را بخواند اما کسی‌صدای بلند می .پیدا نشد که قادر باشد طومار را باز کند و بخواند

کس پیدا نشد که لیاقت گشودن و خواندن‌گریستم زیرا هیچ‌من از روی ناامیدی به شدت می طومار را داشته باشد اما یکی از آن بیست و چهار رهبر به من گفت گریه نکن ببین شیر قبیله .یهودا که از نسل داود است پیروز شده است او لیاقت دارد طومار و هفت مهر آن را بگشاید

نگاه کردم اما به جای شیر یک بره دیدم که در مقابل تخت و موجودات زنده در میان بیست خورد که زمانی باعث مرگش‌هایی به چشم می‌و چهار رهبر ایستاده است بر روی بدن او زخم گانه خداست آنگاه بره نزدیک‌شده بود او هفت شاخ و هفت چشم داشت که همان روح هفت آمد و طومار را از دست راست آنکه بر تخت نشسته بود گرفت وقتی طومار را گرفت آن بیست خواندند سپس در رؤیاو چهار رهبر در برابر او سجده کردند ایشان برای او سرود جدیدی می ها فرشته را دیدم که گرداگرد تخت و موجودات زنده و رهبران روحانی جمع شده بامیلیون :خواندندصدای بلند این سرود را می

بره خدا که جانش را در راه نجات مردم قربانی کرد لیاقت دارد که صاحب دولت و قدرت و حکمت و قوت و حرمت و جلال و برکت باشد آنگاه صدای تمام موجودات آسمان و زمین و گفتند: ستایش و حرمت جلال و قوت تا ابد ازسرودند و می‌زیر زمین و دریاها را شنیدم که می گفتند: آمین و آن بیست وآن بره و آنکه بر تخت نشسته است باد و آن چهار موجود زنده می .چهار رهبر سجده کرده او را پرستیدند

کند، سوار اول نبردبره مهرها را باز می

بره نخستین مهر را گشود ناگاه یکی از آن چهار موجود زنده با صدایی چون غرش رعد گفت: بیا نگاه کردم و اسبی سفید دیدم سوار بر اسب کسی را دیدم که کمانی در دست و تاجی بر سر .راند تا در نبردهای بسیار پیروز شود و فاتح جنگ باشدداشت او اسب را به جلو می

سوار دوم ناآرامی

بره مهر دوم را باز کرد این بار اسبی سرخ پدیدار شد و به سوار آن شمشیری داده شده بود تا قادر باشد صلح و سلامتی را از زمین بردارد و به جای آن هرج و مرج ایجاد کند در نتیجه جنگ و خونریزی در همه جا آغاز شد.

سوار سوم قحطی

بره مهر سوم را گشود آنگاه اسب سیاهی را دیدم که سوارش ترازویی در دست داشت سپس از گفت: یک قرص نان گندم یا یک کیلورسید که می‌میان چهار موجود زنده صدایی به گوش می آرد جو به قیمت مزد روزانه یک کارگر باشد اما به روغن زیتون و شراب آسیبی نرسان

سوار چهارم مرگ

چون بره مهر چهارم را گشود صدای موجود زنده چهارم را شنیدم که گفت: بیا ناگاه اسب رنگ پریده آمد که نام سوارش‌ای ظاهر شد که سوارش مرگ نام داشت به دنبال او اسب دیگری می‌پریده چهارم زمین را به وسیله جنگ قحطی‌دنیای مردگان بود به آن دو اختیار و قدرت داده شد تا یک بیماری و جانوران وحشی نابود سازد.

فریاد شهدا برای دادرسی

های کسانی را دیدم که برای موعظه‌مهر پنجم را باز کرد قربانگاهی ظاهر شد زیر قربانگاه روح گفتند: ای‌کلام خدا و شهادت راستین خود شهید شده بودند ایشان با صدایی بلند به خداوند می کنی و انتقام خون ما را از آنان‌خداوند پاک و حق تا به کی بر ساکنان زمین داوری نمی .گیری‌نمی

سپس به هر یک از ایشان ردایی سفید داده شد و گفتند: کمی نیز استراحت کنند تا قطارانشان که باید مانند ایشان به خاطر خدمت به عیسی مسیح شهید گردند به جمع آنان‌هم .بپیوندند

غضب خداوند

ای سیاه تیره و تاربره مهر ششم را گشود ناگهان زلزله شدیدی رخ داد خورشید مانند پارچه ریزند درست ماندگشت ماه به رنگ خون در آمد دیدم که ستارگان آسمان بر زمین می زنجیرهای نارس آسمان نیز مانند یک طومار به هم پیچید و ناپدید گشت پادشاهان زمین و رهبران جهان فرمانداران و ثروتمندان کوچک و بزرگ برده و آزاد همه خود را در غارها و در گفتند: ای‌ها التماس کرده می‌ها و صخره‌ها پنهان کردند ایشان به کوه‌ها به کوه‌زیر تخته سنگ ها بر ما بیفتید و از ما آنکه بر تخت نشسته و از خشم بره پنهان کنید زیرا روزها و صخره‌کوه عظیم خشم آنان فرا رسیده است پس کیست که تاب مقاومت داشته باشد.

مهر شدن بندگان خدا

گذارند بادهای چهارگانه براند و نمیآنگاه چهار فرشته دیدم که در چهارگوشه زمین ایستاده آمد و مهر بزرگ خدای زنده را بهزمین بوزند سپس فرشته دیگری را دیدم که از مشرق می آورد او به آن چهار فرشته که قدرت داشتند به زمین و دریا صدمه بزنند گفت: دستهمراه می .نگه دارید که دریا و زمین و درختان آسیبی نرسانید تا مهر خدا را به پیشانی بندگان او بزنم

وچهار هزار نفر بود از هر قبیلهصد و چهلاسرائیل مهر شدند یکتعداد کسانی که از بنی .دوازده هزار

گروه بزرگ نجات یافتگان

ها در پیشگاه تخت خدا وها نژادها و زبان‌ها قبیله‌پس از آن دیدم که گروهی بزرگ از تمام ملت در برابر بره ایستادند تعداد ایشان چنان زیاد بود که امکان شمارش وجود نداشت ایشان لباس گفتند:شد آنان همگی با صدای بلند می‌های نخل دیده می‌سفید بر تن داشت و در دستشان شاخه نجات ما از جانب خدای ما که بر تخت نشسته و از جانب بره است در این هنگام تمام فرشتگان گرداگرد تخت و رهبران و چهار موجود زنده ایستادند و خدا را پرستش نمودند آنگاه یکی از دانی این سفیدپوشان چه کسانی هستند وآن بیست و چهار رهبر به من رو کرد و پرسید: آیا می آینداز کجا می

دانیدجواب دادم: ای سرورم شما می

های‌ها همان کسانی هستند که از عذاب سخت بیرون آمدند ایشان لباس‌به من گفت: این .خود را با خون بره شسته و سفید کردند

مهر هفتم سکوت مطلق

آسمان نزدیک به نیم ساعت سکوت مطلق بر قرار شد سپس دیدم که هفت فرشته در حضور خدا ایستادند به ایشان هفت شیپور داده شد.

شیپور اول تگرگ و آتش

فرشته اول شیپور را به صدا در آورد ناگهان بر روی زمین تگرگ و آتش خون بارید به طوری که یک‌سوم زمین آتش گرفت و یک‌سوم درختان با تمام سبزه‌ها سوخت.

شیپور دوم کوه آتشین

هاسوم تمام ماهی‌سوم دریا مانند خون سرخ شد و یک‌ها غرق شد و یک‌سوم تمام کشتی‌یک مردند.

شیپور سوم ستاره تلخ

سوم‌ور از آسمان بر روی یک‌ای شعله‌وقتی فرشته سوم شیپور را به صدا در آورد ستاره
.ها تلخ گردیدند و بسیاری به خاطر تلخی آن جان سپردندها افتاد سپس آب‌ها و چشمه‌رودخانه

شیپور چهارم تاریکی نور آسمان

کند و با آواز بلندهمچنان که غرق تماشا بودم عقابی دیدم که در وسط آسمان پرواز می گوید: وای وای وای به حال اهالی زمین زیرا اکنون آن سه فرشته دیگر نیز شیپور خود را بهمی صدا در خواهند آورد.

انتهاشیپور پنجم چاه بی

ای از آسمان به زمین افتاد به‌هنگامی که فرشته پنجم شیپورش را به صدا در آورد دیدم که ستاره این ستاره کلید چاهی را دادند که انتها نداشت وقتی با آن کلید چاه را باز کرد دودی مانند ای بزرگ برخاست به طوری که آفتاب و هوا از دود چاه تیره و تار شد سپس از میان دودکوره ها نیش‌هایی بیرون آمده روی زمین را پوشاندند و به ایشان قوت داده شد تا مانند عقرب‌ملخ بزنند اما به ایشان گفته شد که با علف و گیاه و درختان کاری نداشته باشند بلکه فقط به کسانی آسیب برسانند که مهر خدا را بر پیشانی خود ندارند به ایشان اجازه داده شد که مردم را برای ها اجازه کشتن مردم داده نشدمدت پنج ماه آزار و شکنجه دهند تا ایشان درد بکشند اما به ملخ .ها گریزان خواهد بوددر آن زمان مردم آرزو مرگ خواهند کرد اما مرگ از آن

شیپور ششم دیوهای کشتار

از چهارگوشه قربانگاه زرین که در حضور خداوند قرار داشت صدایی شنیدم که به فرشته ششم اند آزاد ساز آنگاه آن چهارگفت: آن چهار فرشته شیطان را که در رود بزرگ فرات بسته شده سوم مردم را بکشند شنیدمفرشته که برای چنین روز و ساعتی آماده شده بودند آزاد شدند تا یک .ها دویست میلیون جنگجوی سواره در اختیار داشتندکه آن

اسبان و سواران ایشان را در رؤیا دیدم سواران آنان زره جنگی به تن داشتند که بعضی به رنگ سرخ آتشین بعضی آبی آسمانی و بقیه به رنگ زرد بود سر اسبان ایشان بیشتر به سر شیران سوم مردم را از بین بردآمد که یک‌شباهت داشت و از دهانشان دود و آتش و گوگرد بیرون می ها نه تنها در دهانشان بلکه در دمشان نیز بود زیرا دمشان شبیه سر مارهایی بودقدرت مرگبار آن کنند کسانی که از این بلایا جان سالم به در بردندهای کشنده ایجاد می‌زنند و زخم‌که نیش می های طلا نقره و مس‌باز حاضر نشدند خدا را بپرستند ایشان حاضر نبودند از پرستش شیطان و بت کنند اینان‌شنوند و نه دزدی می‌بینند و نه می‌هایی که نه می‌و سنگ و چوب دست بکشند بت .کشی جادوگری زنا و دزدی دست بکشند و به سوی خدا بازگردندخواستند از آدم‌نمی

طومار کوچک در دست فرشته

آمد گرداگرد آن را ابر فرا گرفته بودسپس فرشته نیرومند دیگری را دیدم که از آسمان پایین می درخشید و پاهایش‌کمانی قرار داشت صورتش نیز همچون خورشید می‌و در فراز سرش رنگین های آتش بود در دست او طومار کوچک بازی قرار داشت او پای راستش را بر دریامانند ستون و پای چپش را بر زمین گذاشت و صدایی بلند چون غرش شیر برآورد در جواب او هفت رعد سخن گفتند.

شدم تا گفته رعدها را بنویسم که ناگاه صدایی از آسمان به من گفت: دست‌آماده می ای که بر دریا و خشکی‌ها را ننویس آنگاه فرشته‌دار سخن رعدها را نباید آشکار شود آن‌نگه ایستاده بود دست راست خود را به سوی آسمان بلند کرد و به کسی که تا به ابد زنده است و آسمان و زمین و دریا را با تمام موجودات آن آفرید قسم خورد که دیگر تأخیری پیش نخواهد آمد بار دیگر صدایی از آسمان به من گفت: برو و طومار را از آن فرشته که بر دریا و خشکی ایستاده است بگیر پس به او نزدیک شدم و از او خواستم طومار را به من بدهد گفت: بگیر و ات‌بخور وقتی آن را در دهانت گذاشتی مانند عسل شیرین خواهد بود اما وقتی خوردی معده گونه که گفته بود در دهانم شیرین‌تلخ خواهد شد پس طومار را گرفتم و خوردم درست همان هاها نژادها زبان‌ام تلخ شد آنگاه به من گفت: تو باید باز هم درباره قوم‌بود اما وقتی خوردم معده و پادشاهان پیشگویی کنی.

ظهور جانور عجیب

جنگ خواهد داد و ایشان را شکست آید به ایشان اعلان انتها بیرون می آن جانور عجیب از چاه بی های شهر بزرگ به نمایش گذاشته داده خواهد کشت اجساد آنان نیز سه روز و نیم در خیابان خواهد شد این شهر از نظر ظلم و فساد شبیه سدوم و مصر است و جایی است که خداوند ایشان شود که جنازه ایشان را دفن نیز بر روی صلیب کشته شد در این مدت به کسی اجازه داده نمی قدر مردم را به تنگ آورده کنند در سراسر دنیا همه برای مرگ این دو سخنگوی خدا که این کوبی خواهند پرداخت و برای یکدیگر هدیه خواهند فرستاد اما پس از سه بودند به جشن و پای بخش از جانب خدا وارد جسم آن دو خواهد شد و ایشان بر پاهای خود خواهندروز روح حیات ایستاد با دیدن این صحنه همه دچار وحشتی هولناک خواهند شد در همان لحظه زلزله شدیدی رخ خواهد داد و یک دهم شهر را با خاک یکسان خواهد کرد هفت هزار نفر کشته خواهند شد .اند از ترس خدای آسمان را پرستش خواهند کردآنگاه کسانی که زنده مانده

شیپور هفتم پرستش در آسمان

دو بلا گذشت بلای سوم به زودی از راه خواهد رسید درست در همین هنگام که فرشته هفتم گفتند: سلطنتشیپور خود را به صدا در آورد از آسمان صداهای بلندی به گوش رسید که می .جهان از آن خداوند ما و مسیح او شد و او تا ابد سلطان است

آنگاه بیست و چهار نفر روحانی روی بر زمین نهاده و او را سجده کردند و گفتند: ای گوییم که قدرت عظیم خود را بههمتا که هستی و بودی تو را سپاس میخداوند خدای توانا و بی .ایدست گرفته و سلطنت را شروع کرده

شیپور هفتم رؤیای زن

داد زنی را دیدم که‌آمد مهمی خبر می‌پس از آن منظره عجیبی در آسمان دیده شد که از پیش آفتاب را مانند لباس به تن کرده بود و در زیر پاهایش مکاه قرار داشت و بر سرش تاجی با .کردنالید و برای زاییدن دقیقه شماری می‌دوازده ستاره بود زن آبستن بود و از درد زایمان می

شیپور هفتم اژدها دشمن زن آبستن

سوم‌ناگهان اژدها سرخی وارد شد که هفت سر هفت تاج و ده شاخ داشت او با دمش یک ستارگان را به دنبال خودش کشید و بر زمین ریخت اژدها در مقابل زن که در حال زاییدن بود ها حکومت‌ایستاد تا نوزاد او را ببلعد زن پسری زایید این پسر با قدرتی مستحکم بر تمام قوم خواهد کرد پس وقتی پسر به دنیا آمد او را به سوی خدا و تخت او بالا بردند اما مادرش به بیابان فرار کرد خدا آنجا را برای او آماده کرده بود تا به مدت هزار و دویست و شصت روز از او .مراقبت گردد

دشمنی اژدها با زن

چون اژدها دید که به زمین افتاده است دست آزار به سوی زنی که پسر را زاییده بود دراز کرد اما به زن دو بال عقاب بزرگ دادند تا به بیابان پرواز کند و در آنجا سه سال و نیم از گزند مار که همان اژدهاست در امان باشد ناگاه از دهان مار سیل آب به سوی جاری شد تا او را در کام خود فرو برد اما زمین به یاری زن شتافت و دهان باز کرد و سیل را فرو برد آنگاه اژدها به زن خشم گرفت و رفت تا با بقیه فرزندان او بجنگد فرزندان آن زن همان کسانی هستند که فرمان باشند پس اژدها به‌کنند و به حقیقتی که به وسیله عیسی آشکار شد پایبند می‌خدا را اطاعت می .کنار دریا رسید و در آنجا به انتظار نشست

جانوری از دریا

آمد این جانور هفت سر داشت ودر این هنگام جانور عجیبی را در رؤیا دیدم که از دریا بالا می
ده شاخ این جانور شبیه پلنگ بود اما پاهایش مانند پاهای خرس و دهانش مانند دهان شیر بود
آنان اژدها را که چنین قدرتی به آن جانور داده بود ستایش کردند جانور را نیز پرستش کرده
تواند با او بجنگد پس اژدها آن جانور را تحریک کرد تا به‌گفتند: کیست به بزرگی او که می
ودو ماه به دست گیرد در تمام‌گویی بپردازد و به او اختیار داد تا امور دنیا را به مدت چهل‌گزافه
گفت اژدها به او قدرت‌اند کفر می‌این مدت به اسم خدا و خانه خدا و تمام کسانی که در آسمان
ها از هر زبان و نژاد دنیاها و قبیله‌داد تا با خلق خدا جنگیده ایشان را شکست دهد و بر تمام قوم
حکومت کنند همه مردم دنیا نیز او را پرستش خواهند کرد اما کسانی که نامشان از آغاز آفرینش
.در دفتر زندگان که متعلق به بره است نوشته شده او را پرستش نخواهند نمود

جانوری از زمین

های بره و صدای وحشتناکش مثل صدای اژدها بود او تمام‌این جانور دو شاخ داشت مانند شاخ گرفت و از تمام دنیاقدرت آن جانور اول را که از زخم کشنده خود خوب شده بود به کار می زد وخواست که جانور اول را بپرستند او پیش چشمان همه دست به معجزات باورنکردنی می‌می یافت تا این کارهای عجیب‌آورد او در حضور جانور اول قدرت می‌از آسمان آتش به زمین می را انجام داده مردم جهان را فریب دهد و ایشان را وادار سازد مجسمه بزرگی از جانور اول بسازند همان جانوری که از زخم شمشیر جان سالم به در برده بود او حتی توانست به آن مجسمه جان پرستیدند به مرگ محکوم کند از این گذشته‌ببخشد و سخن گوید و همه کسانی را که او را نمی بزرگ و کوچک فقیر و غنی برده و آزاد را وادار کرد تا علامت مخصوص را بر روی دست توانست شغلی بدست آورد تا چیزی بخرد مگرکس نمی‌راست یا پیشانی خود بگذارند و هیچ اینکه علامت مخصوص این جانور یعنی اسم یا عدد او را بر خود داشته باشد این خود معمایی تواند عدد جانور را محاسبه کند این عدد اسم یک انسان است واست و هرکه باهوش باشد می رسدمقدار عددی حروف اسم او به ۶۶۶ می.

فرشته ویرانی

ای را دیدم که به دنبال او آمد و گفت: بابل آن شهر بزرگ ویران شد زیرا تمام‌سپس فرشته
داشت از شراب فساد و هرزگی او مست شوندها را وا می‌کرد و آن‌های دنیا را فاسد می‌قوم.

فرشته داوری

اش را بپرستند و علامت مخصوص اوفرشته سوم آمد و فریاد زد: کسانی که آن جانور و مجسمه را بر پیشانی یا دست خود بگذارند جام غضب و مکافات خدا را که در آن هیچ تخفیف و های آتش عذاب‌استثنائی نیست خواهند نوشید و در حضور فرشتگان مقدس و بره در شعله خواهند کشید.

پاداش شهدا

گفت: این را بنویس خوشا به حال کسانی که در راه مسیح‌صدایی از آسمان شنیدم که به من می شوند و به خاطر کارهای‌گوید دیگر از تمام دردها آسوده می‌اند زیرا روح خدا می‌شهید شده .گیرنداند پاداش می‌خوبی که کرده

هفت بلای آخر

دهد هفت فرشته هفت‌آمد مهمی خبر می‌در آسمان علامت عجیب دیگری دیدم که از پیش بلای آخر را نگه داشته بودند که بر زمین بریزند تا سرانجام خشم و غضب خدا فروکش کند.

زد در کنار دریا کسانی‌سپس در برابر خود چیزی شبیه دریای آتش و بلور دیدم که موج می اش و بر آن علامت و عددش پیروز شده بودندایستاده بودند که بر آن جانور خبیث و مجسمه هایی در دست داشتند که خدا به ایشان داده بود و سرود موسی خدمتگزار خدا وهمه آنان چنگ گفتندخواندند و می‌سرود بره را می:

همتابزرگ و باشکوه است کارهای تو ای خدای بی

هاهای تو ای پادشاه قوم‌حق و عدل است راه

کیست که از تو نترسد

کیست که نام تو را حرمت ندارد

ها خواهند آمد و در پیشگاه تو پرستش خواهند کردزیرا تنها تو پاکی همه قوم

بینندزیرا کارهای خوب تو را می

ترین جایگاه حضور خدا را در آسمان دیدم که به روی همه کاملاًسپس نگاه کردم و مقدس باز بود آن هفت فرشته که هفت بلا را نگاه داشته بودند تا بر زمین بریزند از حضور خدا بیرون آمدند یکی از آن چهار موجود زنده به هریک از فرشتگان جامی زرین داد که پر از غضب خدای زنده ابدی بود در همین وقت جایگاه مقدس از دود قدرت و جلال خدا پر شد به طوری توانست داخل شود تا اینکه آن هفت فرشته هفت بلا را ریختندکه دیگر کسی نمی.

جام اول زخم

فرشته اول بیرون رفت و وقتی جام خود را بر زمین خالی کرد در بدن کسانی که نشان آن جانور هایی دردناک و وحشتناک به وجودکردند زخم‌اش را پرستش می‌خبیث را داشتند و مجسمه آمد.

جام دوم مرگ در دریا

فرشته دوم جامش را در دریا ریخت آب دریا مثل خون مرده شد و تمام جانورانم دریایی مردند.

شودجام سوم آب خون می

.ها به خون تبدیل شدها ریخت و آب آن‌ها و چشمه‌سپس فرشته سوم جام خود را بر رودخانه

جام چهارم حرارت سوزان

فرشته چهارم جامش را روی خورشید خالی کرد تا خورشید با آتش خود همه را بسوزاند همه از آن حرارت شدید سوختند اما به جای اینکه از افکار و رفتار بد خود دست بکشند و خدا را جلال .گفتنددهند به سبب این بلایا به او کفر می

جام پنجم بلای تاریکی

فرشته پنجم جامش را بر تخت آن جاندار خبیث ریخت به طوری که تاج و تخت او در تاریکی های گزیدند ایشان نیز از درد زخم‌های خود را می‌فرو رفت و دار و دسته او از شدت درد لب خود به خدای آسمان کفر گفتند و از رفتار بد خود دست نکشیدند.

شودجام ششم رودخانه بزرگ خشک می

فرشته ششم جامش را بر رودخانه بزرگ فرات خالی کرد و آب رودخانه خشک شد به طوری که پادشاهان مشرق زمین توانستند نیروهای خود را بدون برخورد با مانع به سوی غرب ببرند در این هنگام دیدم که سه روح ناپاک به شکل قورباغه از دهان اژدها و آن جاندار خبیث و پیامبر توانند معجزه نیز بکنند به سراغ تمام فرمانروایان‌های ناپاک که می‌دروغین بیرون آمدند این روح ها را به ضد خداوند وارد جنگ کنندجهان رفتند تا در آن رز عظیم داوری خدا آن.

هایی از هواجام هفتم خرابی

فرشته هفتم نیز جامش را در هوا خلی کرد آنگاه از تخت از جایگاه مقدس آسمان صدایی بلند گفت: همه چیز به پایان رسیدشنیدم که می.

در آن هنگام چنان رعد و برق و زمین لرزه شدیدی شد که در تاریخ بشر سابقه نداشت شهر های سنگ درآمدندهای پاره‌بزرگ بابل سه قسمت گردید و سایر شهرهای دنیا به صورت توده پوشی نکرد بلکه جام غضب خود را تا آخرین قطره به اوبه این ترتیب خدا از گناهان بابل چشم نوشانید.

رؤیای فاحشه معروف دنیا

آنگاه یکی از آن هفت فرشته که بلاها را بر روی زمین ریخته بود نزد من آمد و گفت: همراه من های دنیا نشسته است چه خواهد آمدبیا تا به تو نشان دهم که بر سر آن فاحشه معروف که بر آب اند در آنجا زنی رااند و مردم دنیا از شراب زنای او سرمست شدهزیرا پادشاهان دنیا با او زنا کرده دیدم که بر روی یک حیوان سرخ نشسته بود حیوان هفت سر و دو شاخ داشت بر روی بدنش شعارهای کفرآمیزی نسبت به خدا نوشته شده بود لباس زن سرخ و ارغوانی و جواهرات او از های قیمتی مروارید بود و در دستش یک جام طلایی داشت که پر بود از فساد و زناطلا و سنگ ها و فساد دنیابر پیشانی او این اسم مرموز نوشته شده بود بابل بزرگ مادر فاحشه

نابودی نهایی بابل

بعد از این رؤیاها فرشته دیگری را دیدم که با اختیار تام از آسمان پایین آمد این فرشته چنان زد: بابل بزرگ ویران شد به‌درخشید که تمام زمین را روشن ساخت او با صدای بلند فریاد می‌می کلی ویران شد بابل کمینگاه دیوها و شیاطین و ارواح ناپاک شده است در این وقت از آسمان گفت: ای خلق من از این شهر دل بکنید و خود را با گناهانش آلوده‌صدای دیگر شنیدم که می نسازید وگرنه شما نیز به همان مکافات خواهید رسید زیرا گناهانش تا فلک بر روی هم انباشته هایش برساند پس برای‌شده است از این رو خداوند آماده است تا او را به مجازات جنایت های شکنجه که برای دیگران پر کرد دوکارهای زشتش دو چندان به او سزا دهید آن همه جام گذرانی بوده است از این پس‌اش غرق در تجمل خوش‌برابر به خودش بنوشانید تا حال زندگی گوید: من بیوه بینوا نیستم من ملکه این تاج و تخت‌آن را با شکنجه و عذاب لبریز کنید می باشم هرگز رنگ غم و اندوه را نخواهم دید پس در عرض یک روز مرگ و عزا و قحطی‌می گیر او خواهد شد و او در آتش خواهد سوخت چون خداوند توانا این شهر را به مکافات‌دامن خواهد رساند.

شرح و سرنوشت بابل

آنگاه یک فرشته پرقدرت تخته سنگی را که به شکل آسیاب بود برداشت و آن را به دریا طور که این سنگ ناپدید شدانداخت و فریاد زد: شهر بزرگ بابل تا ابد ناپدید خواهد شد همان دیگر هرگز نوای موسیقی در این شنیده نخواهد شد و دیگر صدای آسیاب در آن به گوش نخواهد رسید دیگر هیچ چراغی در آن روشن نخواهد شد و صدای شادی عروس و داماد در آن .شنیده نخواهد شد خون تمام فرستادگان و خلق خدا که شهید شدند به گردن این شهر است

کلمه خدا سوار بر اسب سفید

سپس دیدم که آسمان گشوده شد در آنجا اسب سفیدی بود که سوارش امین و حق نام داشت های آتش بود و بر سرش کند چشمان او مانند شعله‌زیرا به حق و عدل مبارزه و مجازات می اش نیز نامی نوشته شده بود که فقط خودش نام او راهای فراوانی قرار داشت بر پیشانی‌تاج آلودی در بر داشت و لقبش کلمه خدا بود لشگرهای آسمانی که‌دانست او جامه خون‌می آمدند از دهانم‌های سفید به دنبال او می‌های کتان سفید و پاک بر تن داشتند سوار بر اسب‌لباس ایمان را سرکوب کند او با عصای آهنین برهای بی‌آمد تا با آن قوم‌او شمشیر تیزی بیرون می رانی خواهد نمود و با پاهای خود شراب خشم خداوند توانا را در چرخشت خواهدآنان حکم فشرد بر لباس و ران او نیز این لقب نوشته شده بود شاه شاهان و سرور سروران

اسارت هزار ساله شیطان

آورد و زنجیری محکم‌انتها را همراه می‌ای را دیدم که از آسمان پایین آمد او کلید چاه بی‌فرشته انتهانیز در دست داشت او اژدها را گرفت و به زنجیر کشید و برای مدت هزار سال به چاه بی افکند سپس در چاه را بست و قفل کرد تا در آن هزار سال نتواند هیچ قومی را فریب دهد پس از گذشت این مدت اژدها برای چند لحظه آزاد گذاشته خواهد شد اژدها همان مار قدیم است که شوداهریمن و شیطان نیز نامیده می.

نابودی نهایی شیطان

های‌پس از پایان آن هزار سال شیطان از زندان آزاد خواهد شد او بیرون خواهد رفت تا قوم گوناگون یعنی جوج و مأجوج را فریب داده برای جنگ متحد سازد سپس شیطان که ایشان را فریب داده بود به دریاچه آتش افکنده خواهد شد دریاچه آتش همان جایی است که با گوگرد .کشندروز تا به ابد در آنجا عذاب می‌سوزد و آن جاندار خبیث و پیامبر دروغین او شبانه‌می

روز داوری آخر

آنگاه تخت بزرگ سفیدی را دیدم بر آن تخت کسی نشسته بود که زمین و آسمان از روی او اندها را دیدم از بزرگ و کوچک در برابر خدا ایستاده‌گریختند و ناپدید شدند سپس مرده های‌دفترها یکی پس از دیگری گشوده شد تا به دفتر زندگان رسید مردگان همگی بر طبق نوشته هایی را که در خود داشتند تحویل‌این دفتر محاکمه شدند بنابراین دریا و زمین و قبرها مرده .دادند تا مطابق اعمالشان محاکمه شوند

درباره جهان آرمانی

A MANIFESTO FOR UNIVERSAL FREEDOM

افکن آغاز شد: آیا انسان تنها معیارِ سنجشِ**جهان آرمانی** از یک پرسشِ ساده اما بن اند،حقیقت و عدالت است؟ در عصری که ساختارهای قدرت، مرزهای تفکر را محدود کرده این بستر پاسخی است برای بازتعریفِ همزیستی. در این فضا، آگاهی نه فقط یک ابزار، بلکه ای که برهای مذهبی و از سلطه‌های متحجر، از سرکوب‌خودِ مسیر است؛ مسیر عبور از نظام راندجسم و ذهنِ جانداران حکم می.

در گذر از تاریخ، انسان همواره خود را محورِ حقیقت دانسته است. اما جهان آرمانی، با ی تفکری‌بینی بر پایه‌کشبد. این جهان**پنداری**، این مرکزیت را به چالش می‌ی **جان**فلسفه داند. جان نه ابزار است، نه دارایی و نه‌شکل گرفته که موجودات زنده را فارغ از گونه، برابر می هاست‌تابعِ قدرت؛ بلکه جوهرِ زندگی است و آزادی، حقِ تمامی جان.

> محور دارد.محوری: استثمارِ جانداران و طبیعت، ریشه در ایدئولوژی انساننقدِ انسان ما به دنبال خروج از این مرکزیتِ کاذب هستیم.
> ی دیگری‌ای: عدالت زمانی معنا دارد که هیچ جانی تحت سلطه‌عدالتِ فراگونه ی خاصی نیست‌نباشد. حقِ زیستن، امتیازِ هیچ طبقه.

آغازگرِ این مسیر:

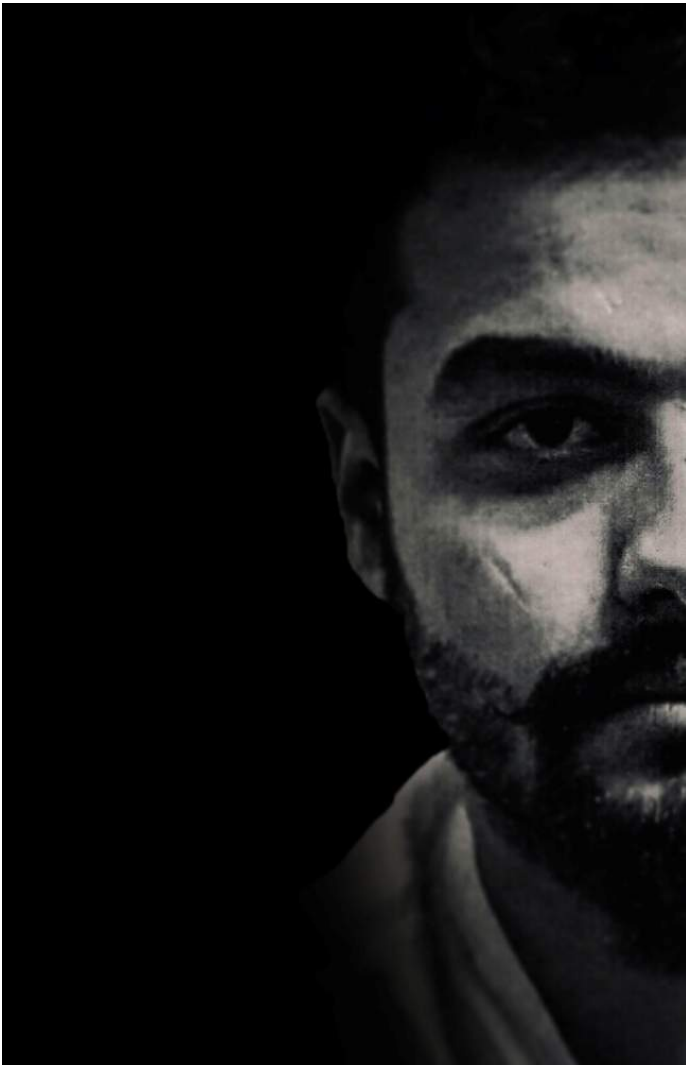
پنداری، برآیندِ جان‌ای، روایتی از یک زیستن است. جهان آرمانی و فلسفه‌هر اندیشه هایِ هستی در مسیرِ زندگیِ **نیما شهسواری** است؛ کسی‌ها تأمل، نوشتار و مواجهه با رنج‌سال ها را به ابزاری برای رهایی تبدیل کردکه با پخش آگاهی، واژه.

← **روایتِ نیما شهسواری؛ از عصیان تا آگاهی**

"Idealistic World begins with a fundamental question: Is human the sole measure of truth and justice? In an era where structures of power constrain thought, this platform is a manifesto to redefine coexistence, placing universal consciousness above all anthropocentric dominations."

نیما شهسواری؛ روایت یک بیداری

ARCHITECT OF THE JANGARA–ISM PARADIGM



نیما شهسواری (متولد ۱۳۶۸، مشهد)، بنیان گذار پارادایم فلسفی «جان‌گرایی»، نویسنده و

شاعری است که نگاشتن را از ۱۵ سالگی آغاز کرد. مسیر خلاقانه او به خلق بیش از ۵۰ جلد اثر های تحقیق، رمان، داستان و شعر انجامیده است. او در ۳۲ سالگی با اتخاذ تصمیمی‌در قالب اخلاقی و در مخالفت با غارت تن درختان و انحصار معرفت، تمامی آثار خود را به صورت دیجیتال در اختیار جامعه قرار دادرایگان و تمام.

> «گرایی، باوری عمیق و رادیکال به اصالت، ارزش ذاتی و برابری بنیادین تمامی‌جان ها، حیوانات و گیاهان در ساحت گیتی است.دار اعم از انسان‌موجودات جان زیستن در آزادی، پیش از آنکه حق باشد، یک رزمِ مداوم است.»

پنداری، «جان» نه امتیازِ انسان، بلکه جوهرِ مطلقِ حیات است که در نبضِی جان‌در فلسفه شدگی و نقدی انسان‌ست. نیما شهسواری با واسازی کارخانه‌یِ گیاه نیز جاری‌حیوان و ریشه الهیاتِ درندگی، رسالت وجودی خود را استقرار «قانون منع آزار» به عنوان یگانه اصل حاکم بر تمدنِ معنا می داند.

مکتب فکری:	جان گرایی‌پارادایم (Jangara-ism)
حجم آثار:	بیش از ۵۰ جلد کتاب و دیوان شعر
ایدئولوژی نشر:	دیجیتال، صیانت از درختان‌باز، تمام‌متن

***Nima Shahsavari** (b. 1989), the founder of the "Jangara-ism" philosophical paradigm, released his entire library of 50+ volumes for free, opposing the commercialization of thought and exploitation of trees. He defines life not as a human privilege, but as an interconnected network of equal conscious beings.*

بسترهای بیداری در جهان آرمانی

وگو جریان یابد. پادکست «**به نام جان**» باکند که در مسیر گفت‌تفکر تنها زمانی معنا پیدا می شده عبورهای تثبیت‌رویکردی بداهه و آزاد، تلاشی برای بیان تفکری است که از چارچوب .کند تا پلی میان اندیشه و شنونده باشدمی

مخزن کتابخانه آزاد آثار

تالار گفتمان دیالوگ و تبادل آگاهی

نام جان‌آرشیو پادکست به

های صوتی‌مخزن کتاب

هادیوان اشعار و سروده

های رسمی‌ها و پلتفرم‌شبکه

باکس‌کست: Castbox | اسپاتیفای: Spotify

اپل پادکست: Apple Podcasts

بایگانی جامع دیجیتال: Internet Archive

شناسه کتابشناختی جهانی: Goodreads Profile

کانال تلگرام: Telegram | یوتیوب: YouTube